

تدوین متون شهرسازی بر پایه متون ارزشمند ایرانی (با تأکید بر اخلاق اسلامی)*



مریم نجفی*

دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد (اصفهان)،

محمد نقی زاده**

استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

شیرین طغیانی**

استادیار و عضو هیأت علمی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد (اصفهان)، ایران (نویسنده‌ی مسئول).

محمود محمدی**

دانشیار و عضو هیأت علمی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۳/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۱/۰۴

چکیده:

بومی بودن برخی علوم، از جمله علم شهرسازی یک امر مسلم است. این امر برخی از محققان شهرساز را برای تولید علم شهرسازی در ایران برانگیخته است. چگونگی این موضوع خود مسئله‌ای است که منجر به راهکار بهره‌گیری از متون کهن ارزشمند ایرانی برای تولید علم شهرسازی (یا بعضاً بومی‌سازی علم وارداتی) در ایران شده است. متن‌های شهرسازی که تاکنون بدین منظور از متون کهن ایرانی الهام گرفته‌اند؛ فاقد شیوه خاصی بوده‌اند. همین فقدان منجر به نگارش این مقاله شده است. هدف این مقاله، تبیین و معرفی روش منطقی برای این امر است. همچنین برای درک بهتر از روش ارائه شده، متن‌های با موضوع «اخلاق»، به‌عنوان متون کهن ارزشمند برگزیده شد. پرسش اصلی که این مقاله به آن پاسخ می‌دهد آن است که روش مناسب بهره‌گیری از متون اخلاقی ایرانی-اسلامی برای تدوین متون شهرسازی چگونه است؟ از این رو می‌توان مقاله‌ی حاضر را یک مقاله روش‌شناسی دانست. با عنایت به اینکه شیوه‌ی مناسب برای نگارش مقاله قطعاً می‌بایست شیوه‌ای بومی باشد؛ جستجوی منابع کتابخانه‌ای در میان شیوه‌ها و روش‌های بومی ایرانی صورت گرفت و سرانجام در علوم بلاغت و بدیع زبان فارسی، شیوه‌هایی برای بهره‌گیری از اثر اولیه به‌منظور ایجاد اثر جدید یافت شد. در علم بلاغت و بدیع، حدود شانزده آرایه یا صنعت ادبی مرتبط با بهره‌گیری از متن اولیه در متنی دیگر بررسی شد. از میان آنها، «اقتباس» که دارای مفهوم وسیع و دربرگیرنده پانزده آرایه دیگر بود؛ به مثابه روش اصیل ایرانی برای بهره‌گیری از متون ارزشمند ایرانی در تدوین متون جدید شهرسازی پیشنهاد شد. در بخش مبانی نظری از یک سو گونه‌های اقتباس و از سوی دیگر انواع متون اخلاقی معرفی شدند. سپس با شیوه استنباط و استدلال منطقی هر یک از شیوه‌های مختلف اقتباس برای بهره‌گیری از انواع متون اخلاقی تشریح شد. در نتایج برای اقتباس کردن، نحوه برداشت از عناصر متن ارزشمند اولیه (که شامل لفظ، معنا، موضوع، فرم نگارش، نوع زبان) و نیز تغییرات آنها (از جمله افزایش، کاهش، تبدیل، تأویل، جابجایی، برجسته‌سازی و ساده‌نویسی) در انواع متون اخلاقی، بیان شد. سپس چگونگی بکارگیری انواع اقتباس از گونه‌های متون اخلاقی تشریح شد. با اینکه اکثر گونه‌های اقتباس برای انواع متون اخلاقی کاربرد داشت، اما استفاده از هر یک در انواع متون اخلاقی با سه وضعیت مناسب، غیر مناسب و مجاز نیز مشخص شد.

واژه‌های کلیدی: متون شهرسازی، اقتباس، متون اخلاق اسلامی.

مقدمه

یا پاره‌ای از متن پیشین برای ایجاد متن جدید، مفهوم نظریه‌ی غربی «بینامتنیت» را تشکیل می‌دهد؛ اما با کنکاش بیشتری که این مقاله در میان منابع کتابخانه‌ای انجام داد؛ توانست از منابع با موضوع علم بلاغت اسلامی و زیرمجموعه آن، یعنی علم بدیع، نظریاتی بومی و با قدمت طولانی‌تر در مقایسه با بینامتنیت را بیابد. هرچند معروفیت این نظریات کمتر از بینامتنیت بوده و تقریباً محجور مانده‌اند؛ اما در این مقاله به عنوان شیوه و فن کلی بهره‌گیری از متنی دیگر در متن جدید معرفی می‌شوند. به دلیل زیاد بودن شیوه‌های معرفی شده، سعی شده تا تنها یکی از معروفترین آنها (اقتباس) که مفهومی گسترده، به روز و قابل تعمیم به خارج از حوزه ادبیات را داشته برگزیده شود. از سوی دیگر چون نمونه‌ی مورد تاکید این مقاله بر متون اخلاقی اسلامی است؛ با جستجو در میان منابع مرتبط با حوزه اخلاق نیز انواع این متون معرفی می‌شوند. سپس در بخش دست‌آوردها سعی می‌شود تا با شیوه استنباط و استدلال منطقی بین دو موضوع گونه‌های اقتباس و نیز انواع متون اخلاقی ارتباط برقرار کرده تا چگونگی اقتباس از متون اخلاقی را دریابد. این دستاوردها به نویسنده شهرساز کمک می‌کند تا اولاً بدانند از کدام بخش‌های متون اخلاقی می‌تواند اقتباس کند. دوم اینکه کدام گونه‌ی اقتباس برای کدام نوع متن اخلاقی مناسب‌تر است.

پیشینه پژوهش

سوابقی که ذیل زیر آمده است؛ نمونه کتب یا مقالاتی هستند که برای نگارش تمام یا بخشی از متن جدید در حوزه شهرسازی (یا معماری)، از متون کهن (نه الزاماً اخلاقی) استفاده کرده‌اند. تمام متون اولیه از نوع متون ارزشمند و مشهور چون نهج‌البلاغه، احادیث‌الائمه^۱ و نیز کتاب‌های ادبی شاهنامه، دیوان حافظ، مصیبت‌نامه عطار، سفرنامه ناصرخسرو و هفت‌پیکر نظامی هستند.

حدیث عقل و جهل امام صادق(ع) که دارای ۷۵ ویژگی عقل و ۷۵ ویژگی جهل است برای نگارش کتاب شهر عقل‌مدار مورد استفاده قرار گرفته است (نقی‌زاده ۱۳۹۳). نویسنده جدید توانسته محتوای دو صفحه‌ای متن اولیه را

برای جوامعی چون ایران که پیشینه مطالعاتی و علمی پیشرفته‌ای دارند؛ این پیشینه می‌تواند پرکننده خلاء کنونی، یعنی ضعف تولید علم بومی، باشد. در سال‌های اخیر اکثر متون شهرسازی (یا معماری) ایرانی، ترجمه یا بازگویی از متون غربی هستند؛ درحالی‌که در سابقه علمی ایران، متون کهن ارزشمندی وجود دارد که می‌توانند پایه ایجاد متن‌های جدید و (نیز تولید علم) در حوزه‌های مختلف از جمله شهرسازی باشند. این شیوه، یعنی بهره‌گیری از متون کهن برای ایجاد متون جدید همان راهی است که ایرانیان در قرن سوم و چهارم ه.ق نیز از آن بهره گرفتند. در این مورد آمده است که «حاکمان ایران پس از حمله اعراب به شدت متوجه فرهنگ و تاریخ گذشته شدند و برای بازیافت فرهنگی و هویتیابی کشور دستور پیگیری و جمع‌آوری روایات و متون کهن برای بهره‌گیری مجدد از آنها را صادر کردند» (پایور ۱۳۸۰، ۱۷). این رویه در تولید متون جدید تقلید یا سرقت به شمار نمی‌رود؛ بلکه بر ارزش متون جدید نیز می‌افزاید. لازم به ذکر است که تنها تعداد کمی از انسان‌های فرهیخته و دانشمند قادرند از صفر شروع کرده و خود مبدع صددرصد موضوعات و بخش‌های مختلف اثری جدید باشند. این موضوع شاید به قدری واضح به نظر آید که نیاز به بیان نظریه‌ای در این مورد نداشته باشد؛ اما همین موضوع ساده، قادر است هویت متون شهرسازی ایران را به سمت متون غربی و یا بلعکس، متون کهن ارزشمند ایرانی سوق دهد. این مقاله در پی پاسخ به سه پرسش زیر است:

۱. روش مناسب بهره‌گیری از متون اخلاق ایرانی-اسلامی برای تدوین متون شهرسازی چیست؟
۲. چگونه این روش بر روی انواع متون اخلاقی عملیاتی می‌شود؟
۳. چه نوع متون شهرسازی می‌توان با استفاده از آنها تدوین کرد؟

روش پژوهش

مقاله‌ی حاضر خود مقاله‌ی روش‌شناسی است؛ زیرا در پی ارائه‌ی روشی برای بهره‌گیری از متن‌های اصیل ایرانی برای ایجاد متون شهرسازی است. استفاده از تمام



مرتبط با موضوع مذکور را گرفته و هر یک را در زمینه‌ای از شهر پرورش داده است. نمونه مشابه این استفاده از متن قدیم کتاب معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی (سلطانزاده ۱۳۷۷) است. نویسنده این کتاب معماری و شهرسازی به استخراج واژگان مرتبط با معماری و شهرسازی پرداخته است. سپس در متن خود آنها را به زبان امروزی ساده‌نویسی کرده است.

کتاب «گفتارهایی در مبانی و تاریخ معماری و هنر» به استناد از دو متن تاریخ بیهقی و رساله معماریه می‌باشد (قیومی بیدهندی ۱۳۹۰). البته این دو منبع منجر به نگارش فصل‌هایی با موضوعات مختلف از این دو کتاب شدند. تاریخ بیهقی با موضوع رویدادهای تاریخ-سیاسی حکومت غزنویان و کتاب رساله معماریه در مورد آداب مربوط به صنف معمار است. نویسنده متن جدید از تاریخ بیهقی، دو موضوع اخلاق و تاریخ را با برگرفتن واژگان کلیدی از متن اولیه و تغییر در محتوای آنها گسترش داده است؛ اما در دو بخش واژگان معماری و باغ‌های خراسانی عین مطالب با تغییرات اندک در ظاهر آورده شده است. همچنین این نویسنده از رساله معماریه، ویژگی‌های اصناف مرتبط با معماری را استخراج و آنها را با زبان امروزی بازگویی کرده است. این بهره‌گیری از متن کهن تنها نوعی است که در آن بین دو متن با موضوع مشابه پیوند صورت گرفته است. پژوهش‌هایی که معرفی شدند؛ هرکدام یک متن قدیمی مشخص را برگزیده و آن را پایه تولید متن جدید در معماری و شهرسازی قرار داده است؛ اما این مقاله «شیوه و روش» بهره‌گیری از متن قدیمی برای ایجاد متن شهرسازی را ارائه داده است. علاوه بر آن، در این مقاله نه متنی ویژه، بلکه به طور کلی متون با موضوع «اخلاق» برای بهره‌گیری از تدوین متن شهرسازی برگزیده شد. همچنین بهره‌گیری از انواع متون اخلاقی برای ایجاد متون شهرسازی با مضامین مختلف نیز در این مقاله برای اولین بار پیشنهاد شده است.

به کتاب سیصد صفحه‌ای بسط دهد و اصول طراحی و برنامه‌ریزی شهری عقل‌مدار و نیز جهل‌مدار را معرفی کند. شیوه کار به این صورت بوده که عین ویژگی‌های عقل و جهل، بدون تغییر و کاست در متن جدید بیان و اصول ایجابی متناسب با هر ویژگی عقل و جهل در شهر کشف شده است. در نهایت برای هر یک شاخص‌های شهرسازی آورده است. همچنین غزلیات دیوان حافظ مبنای نگارش مقاله «پی‌جویی بارزهای شهر از منظر حافظ است» (نقی‌زاده ۱۳۸۸). در این مقاله، شواهدی از متن اولیه برای ویژگی‌های مسلم و کیفی شهرسازی آورده شده است. به نظر می‌رسد در این مقاله نویسنده شهرساز، الفاظ، معانی و حتی فرم نگارش نظم گونه را از متن اولیه برداشت کرده و بدون تغییر آنها را در مقاله خود بکار گرفته و توضیحات تحلیلی خود را نیز بر آن افزوده است. در نمونه دیگر متونی از دانشمندان بوعلی سینا، ملاصدرا و سهروردی مبنای نگارش مقاله «مقایسه تطبیقی مفهوم ادراک و فرآیند آن در فلسفه و روان‌شناسی محیط و کاربرد آن در طراحی شهری» شده است (نقی‌زاده و استادی ۱۳۹۳). در این مقاله نویسندگان از میان موضوعات فلسفی و عرفانی توانسته‌اند مفهوم ادراک را استخراج و تاثیر آن را در رویه و ماهیت طراحی شهری بیان کنند. این برگرفتنی از متون قدیمی تنها مبانی نظری مقاله را تشکیل داده است.

در پژوهشی دیگر نویسنده، مفهوم ادراک را اینبار از میان اشعار کتاب مصیبت‌نامه حکیم عطار استخراج کرده و کتاب «ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری» را تالیف کرده است (فلامکی ۱۳۸۷). مفاهیم گرفته شده تنها در گزارش نخست از بخش چهار کتاب جدید، به‌عنوان پایه‌ی نظری بومی برای مبحث اصلی کتاب قرار گرفته است. همچنین کتاب هفت پیکرنظامی گنجوی با اقتباس محتوایی از منظومه هفت داستان بهرام، پادشاه ساسانی با محوریت خیر و شر، در متن معماری به نام «اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی» (فلامکی ۱۳۹۱) استفاده شده است. متن معماری در مورد بازشناخت، توصیف صورت‌ها و معنای فضاها و عناصر مرتبط با بنا و شهر در معماری و شهرسازی سنتی ایران است. نویسنده جدید الفاظ و واژگان



جدول ۱. صنایع یا آرایه‌های مرتبط با بکارگیری متن اولیه در نگارش متن جدید

شماره	نام آرایه یا صنعت	تعریف
۱	نسخ و انتقال	نسخ در اصل باطل کردن و از بین بردن و انتقال به معنی سخن دیگری بر خویشتن بستن است. در اصطلاح آن است که گفته یا نوشته دیگری را عیناً، حرف به حرف و بدون کم و زیاد و نیز بدون تصرف و تغییر به خود نسبت دهند (همایی ۱۳۸۹، ۲۲۶).
۲	مسخ و افارده	مسخ تغییر صورت دادن و چیزی را از گونه‌ای به گونه‌ای دیگر بدل کردن است و افارده به معنای غارت کردن و در اصطلاح آن است که لفظ و معنی هر دو را برده و در آن تبدیل و تغییر داده باشند (همایی ۱۳۸۹، ۲۲۶).
۳	سلخ و الامام	سلخ به معنای پوست باز کردن و الامام به معنی قصد کردن و نزدیک شدن به چیزی است و در اصطلاح آن است که فکر و مضمون نظم یا نثری را از دیگری بگیرند و آن را در قالب عبارتی دیگر بریزند. بدون آنکه موضوع آن را تغییر داده باشند. مثلاً کتاب مشکل قدیمی را به نثر فصیح، ساده و قابل فهم امروز تبدیل کنند (همایی ۱۳۸۹، ۲۲۸).
۴	نقل	در اصل به معنای جابه‌جا کردن و در اصطلاح آن است که گفته یا نوشته دیگری را از لفظ و معنی یا معنی یا مضمون فرا گرفته و موضوع را هم تغییر داده باشند (همایی ۱۳۸۹، ۲۳۰).
۵	ترجمه	مطلبی را از زبانی به زبان فارسی برگردانیدن که اگر لفظ به لفظ باشد ترجمه پایخوان و اگر تنها مقصود و مراد را برگیرند ترجمه به معنی است (همایی ۱۳۸۹، ۲۳۴-۲۳۳؛ نوشته ۱۳۷۵، ۲۷۴).
۶	تضمین	به معنای چیزی را به ضمانت به کسی دادن و در اصطلاح به معنای پذیرفتن ضمنی و پذیراندن و در پناه آوردن و نیز گنجاندن مصرع یا بیتی از شاعران گذشته در اثر خود (محبتی ۱۳۸۰، ۸۸؛ همایی ۱۳۸۹، ۱۴۱) بی‌هیچ تغییر (پایور ۱۳۸۰، ۱۸۰) است. اگر نام شاعر را ذکر کند، تضمین مصرح و اگر ذکر نکند تضمین مبهم نامند (نوشه ۱۳۷۵، ۲۸۵).
۷	الحاق	در الحاق نویسنده مصرع یا بیتی را در آخر کلام جهت تکمیل مطلب خود می‌آورد تا مقطع شعر خود را کامل کند (کاردرگر ۱۳۸۸، ۲۰۶؛ نوشته ۱۳۷۵، ۱۳۴).
۸	تولیده	به معنای زاپسین و پروردن و در اصطلاح هرگاه نویسنده بخشی از شعر یا تمامی آن را بیاورد، اما معنی دیگری از آن متولد شود (کاردرگر ۱۳۸۸، ۲۰۶-۲۰۷؛ نوشته ۱۳۷۵، ۳۱۱)، تولید گویند. تولید را نوعی از اقتباس دانسته‌اند (نوشه ۱۳۷۵، ۳۱۱).
۹	حسن اتباع	آن زمان که شاعر یا نویسنده معنی شعر دیگری را اخذ کرده به مزیتی از لطایف بیاراید و خود را در استحقاق آن معنی، مخترع آن داند (کاردرگر ۱۳۸۸، ۲۰۷).
۱۰	حل	به معنی گشودن و منظور آن است که نظم را بی آنکه معنای آن تغییر کند به شکل نثر درآوردند و در ضمن سخن بگنجاندند (کاردرگر ۱۳۸۸، ۲۰۷؛ همایی ۱۳۸۹، ۲۳۳؛ نوشته ۱۳۷۵، ۳۵۸).
۱۱	تلمیح	به گوشه چشم اشاره کردن است و در اصطلاح آن است که گوینده در ضمن کلام به داستان یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف، اشاره ضمنی کند (همایی ۱۳۸۹، ۲۰۶).
۱۲	درجه	هرگاه نص آیه یا حدیث در میان سخن آورده شود را درج نامند. درج را نوعی از اقتباس دانسته‌اند (نوشه ۱۳۷۵، ۱۲۹).
۱۳	ارسال المثل (تمثیل)	هر گاه عبارت نظم یا نثر را به جمله‌هایی که مثل یا شبیه مثل و متضمن مطلبی حکیمانه است بیارایند که موجب آرایش و تقویت بنیه سخن می‌شود (همایی ۱۳۸۹، ۱۹۱). مشابه آن ارسال المثلین، ارسال الامثال است که به دو مثل یا بیشتر از دو مثل اشاره می‌کنند (کاردرگر ۱۳۸۸، ۲۱۱).
۱۴	عنوان	هرگاه متکلم به جهت غرض خویش از مدح یا ذم یا فخر یا عتاب یا سایر افراض خود اخبار متقدمین و قصص پیشینیان را عنوان نماید (کاردرگر ۱۳۸۸، ۲۱۲).
۱۵	اقتباس	به معنای از کسی فایده یا دانش گرفتن و با آن جرافی دیگر را روشن کردن است (دهخدا ۱۳۷۷، ۳۱۱۲) (همایی، ۱۳۸۹، ۲۴۱). در اصطلاح آن است که نویسنده به هر طریقی از متن اولیه برای ایجاد اثر جدید استفاده کند. بگونه‌ای که معلوم باشد قصد نداشتن است (همایی ۱۳۸۹، ۲۴۰). حل، درج، تضمین و تلمیح گونه‌ای از اقتباس بشمار می‌آیند (نوشه ۱۳۷۵، ۱۲۹).
۱۶	عقد	به معنای بستن و در اصطلاح آن است که سخن نثری را بی آنکه به محتوا و مضمون آن خللی وارد شود به رشته نظم درآورند، خواه قران و حدیث باشد یا غیر آن (همایی ۱۳۸۹، ۲۳۳؛ کاردرگر ۱۳۸۸، ۲۱۵؛ نوشته ۱۳۷۵، ۶۱۵).

* تنها در منبع ابداع‌البدایع آمده است (به نقل از کاردرگر ۱۳۸۸، ۲۰۷-۲۰۶ و ۲۱۲).

+ این آرایه‌ها اگر بدون ذکر نویسنده متن اولیه بکار روند؛ سرقت ادبی محسوب می‌شود (همایی ۱۳۸۹، ۲۲۳).

مبانی نظری

۱. بهره‌گیری از متن اولیه در متن جدید

۱-۱. معرفی گونه‌های بهره‌گیری از متن اولیه در

متن جدید

همانطور که در روش‌شناسی پژوهش نیز آمد؛ بهره‌گیری از متن اولیه برای تدوین و نگارش متن جدید در وهله اول توجه را به سمت نظریه معاصر غربی با عنوان «بینامتنیت» جلب کرد که به دلیل غیر بومی بودن، قابل استفاده در این مقاله نبود. در عوض این مفهوم غربی، سوی توجه مقاله به سمت داشته‌های بومی معطوف شد. در این مورد آمده است که «ریشه‌های علم بینامتنیت را می‌توان در وجود مباحث اقتباس، تلمیح، تضمین، سرقت‌های ادبی و امثالهم در بلاغت اسلامی با قدمت و پیشینه‌ای بسیار طولانی‌تر جستجو کرد» (هاشمی ۱۳۶۸، ۴۱۲-۴۱۳، ۱۴۱۰)؛ «مفهوم بینامتنی در ادبیات فارسی با نام‌ها و مفهوم‌های متفاوتی از جمله تلمیح، انتحال و امثالهم وجود دارد» (ساسانی ۱۳۸۳، ۱۷۲)؛ و «تضمین و اقتباس در منابع بلاغت اسلامی و صنایع بدیع مفاهیمی جایگزین بینامتنیت هستند که در ادبیات فارسی و از گذشته‌های دور در میان هنرمندان و متون ادبی به طور سنتی رایج بوده‌اند» (صباغی ۱۳۹۱، ۶۸). از این نقلیات دریافت می‌شود که باید شیوه بومی بهره‌گیری از متون اولیه در متون جدید را در علم بلاغت اسلامی و در زیر مجموعه علم بدیع جستجو نمود.

در علم بدیع فارسی، برخی صنایع اشاره به بهره‌گیری از متن اولیه در متن جدید دارند که در (جدول ۱) معرفی شدند.^۳

برخی از صنایع آمده در (جدول ۱) - همانطور که از نام آنها نیز مشخص است - با ادبیات عرب، مشترک و البته از آن جدا نا پذیر است.^۴ از آرایه‌ها و صنایع معرفی شده در جدول ۱ سه مورد زیر دریافت می‌شود. همچنین خلاصه این موارد در (جدول ۲) نیز آورده شد.

o هر یک از صنایع دارای دو مرحله، الف) برداشت از متن اولیه و ب) بکارگیری در متن جدید هستند.

o هر یک از آرایه‌ها در برداشت از متن اولیه دارای یک، دو یا تعدادی از متغیرهای لفظ، معنا، موضوع، فرم نگارش و

نوع زبان هستند.

o در بکارگیری متن جدید نیز هر آنچه برداشت می‌شود یا بدون تغییر بوده و یا شامل تغییراتی از جمله کاهش، افزایش، تبدیل، تاویل، تکمیل، جابجایی، برجسته سازی و ساده نویسی می‌شوند.

۲-۱. اقتباس، روش منتخب بهره‌گیری از متن

از میان انواع روش‌های معرفی شده برای بهره‌گیری از متن اولیه در متن جدید که در جدول ۱ آمد و نیز واکاوی آنها در جدول ۲، اقتباس دارای بیشترین عناصر برداشتی و نیز تغییرات است؛ زیرا در تعریف آن آمد که برداشت از متن اولیه به هر طریقی و بکارگیری آن به هر طریقی در اثر جدید است (همایی ۱۳۸۹، ۲۴۰). با این مفهوم کلی اقتباس، در بردارنده اکثر آرایه‌های ذکر شده در

جدول ۱ است. به عبارتی دیگر آنها زیرمجموعه اقتباس هستند. بنابراین اقتباس در مقایسه با سایر موارد مطرح شده، فراتر از یک آرایه یا صنعت جزئی ادبی است. این مفهوم کلی، اقتباس را علاوه بر تعلق به ادبیات، به تمامی عرصه‌های هنر از جمله خوشنویسی، نقاشی، نگارگری، موسیقی، معماری، شهرسازی، هنرهای نمایشی، نمایش‌نامه‌نویسی، سینما، مجسمه‌سازی و گرافیک قابل تعمیم می‌کند. ضمن اینکه، تعاریف کامل و گونه‌های متنوع اقتباس، آن را قابل رقابت با نظریه بینامتنیت غربی معاصر (که قبلاً ذکر آن برفت) نیز می‌کند.

بنا به دلایل مذکور، «اقتباس»^۵ نه به‌عنوان یک آرایه و صنعت جزئی، بلکه به‌عنوان فنی کلی برای برداشت علم از متون کهن ارزشمند ایرانی و بکارگیری آنها در متن شهرسازی در این مقاله برگزیده می‌شود.

۳-۱. عناصر مورد اقتباس از متن اولیه و تغییرات

آنها در اقتباس

با توجه به تعریف اقتباس و نیز خلاصه مذکور در جدول ۲، برداشت از متن اولیه ممکن است شامل یک، دو یا ترکیبی از عناصر لفظ، معنا، موضوع، فرم نگارش و نوع زبان باشد. همچنین در صورت تغییر در متن نیز می‌تواند شامل یک یا چند وضعیت کاهش، افزایش، تبدیل، تاویل، جابه‌جایی، تکمیل (ورز یا پرورش دادن)، برجسته‌سازی و یا ساده‌نویسی

نام‌های متفاوتی دارد، اما در معنا یکی هستند (رک به صالحی و حاجی آقابابایی ۱۳۹۷؛ جلالی ۱۳۹۵؛ شهباز و شهبازی ۱۳۹۱؛ خطائی ۱۳۹۰؛ پایور ۱۳۸۰).

باشد. حال بر حسب اینکه میزان این تغییرات کم باشد یا زیاد، به سه دسته کلی اقتباس آزاد، اقتباس بسته و اقتباس لفظ به لفظ (یا کامل) تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی از اقتباس مشهورترین نوع آن است که در منابع مختلف

جدول ۲. عناصر مورد برداشت و چگونگی بکارگیری (نوع تغییر) در متن جدید (مأخذ: نگارندگان و با تلخیص و نتیجه‌گیری از جدول ۱)

بکارگیری در متن جدید	برداشت از متن اولیه	
نوع تغییر	عنصر برداشتی	نام آرایه یا صنعت
تکمیل (تزئین)	معنی	حسن اتباع
تبدیل (به نثر)	فرم نگارش (نظم) - معنا	حل
کاهش بدون تغییر	لفظ - معنا	تلمیح
بدون تغییر	لفظ - معنا	درج
کاهش - برجسته سازی	لفظ - معنا	ارسال المثل
کاهش - تکمیل (تزئین)	لفظ - معنا	عنوان
بدون تغییر کاهش افزایش تبدیل تاویل ساده نویسی برجسته سازی	لفظ - معنا موضوع - فرم نگارش - نوع زبان	اقتباس
تبدیل (به نظم)	فرم نگارش (نثر)	عقد

بکارگیری در متن جدید	برداشت از متن اولیه	
نوع تغییر	عنصر برداشتی	نام آرایه یا صنعت
بدون تغییر	محتوا لفظ - معنا موضوع فرم نگارش	نسخ و انتحال
تبدیل - کاهش	لفظ - معنا	سخ و لغاره
تبدیل	لفظ	سلخ و امام
جابه‌جایی تبدیل	لفظ - معنی - موضوع	نقل
تبدیل (به زبان فارسی) - ساده نویسی	نوع زبان	ترجمه
کاهش بدون تغییر	لفظ - معنا	تضمین
کاهش تکمیل	لفظ	الحاق
تبدیل - تاویل	معنا	تولید

در متن جدید حفظ و متن اولیه ملاک اصلی کار جدید واقع می‌شود.

همچنین ساختار عمده رویدادها و شخصیت‌های مهم، در پناه پیش اثر (متن اولیه) نگاه داشته می‌شود» (صالحی و حاجی آقابابایی ۱۳۹۷، ۱۰۶-۱۱۰؛ جلالی ۱۳۹۵، ۶۹؛ خطائی ۱۳۹۰، ۷). جلالی انواع این اقتباس را بازنویسی، تلخیص و گزیده‌نویسی نامیده است (جلالی ۱۳۹۵، ۶۹-۷۴). نوع دیگری نیز از اقتباس هست که هیچ تغییری نمی‌پذیرد و عین مطلب (لفظ به لفظ) برداشت شده از متن اولیه در متن جدید بکار می‌رود (خطائی ۱۳۹۰، ۷؛ صالحی و حاجی آقابابایی ۱۳۹۷، ۱۰۸).

الف) اقتباس با میزان مداخله زیاد (اقتباس آزاد)
بازآفرینی: درجه بالای اقتباس است. معمولاً مقدار کمی از

۴-۱. انواع اقتباس

در اقتباسی که تعییرات زیاد می‌پذیرد یا به اصطلاح اقتباس آزاد «دست نویسنده در استفاده از متن اولیه باز است. اقتباس کننده می‌تواند آزادانه هر تغییری که خود اراده می‌کند در آن ایجاد کند»؛ البته به شرط آنکه کلیت اثر را حفظ نماید. هر چند به دلیل این عدم محدودیت، اقتباس آزاد می‌تواند گونه‌های زیادی داشته باشد (صالحی و حاجی آقابابایی ۱۳۹۷، ۱۰۶-۱۱۰؛ جلالی ۱۳۹۵، ۵۷؛ خطائی ۱۳۹۰، ۷)، اما تاکنون چهارگونه رسمی در ادبیات ایران برای آن برشمرده شده است^۶ که عبارتند از بازآفرینی، آمیخ‌نویسی، بازنگری و وامگیری از عناوین (جلالی ۱۳۹۵، ۵۷-۶۸). اقتباسی که تغییرات کم دارد در اصطلاح اقتباس بسته (یا وفادار) میزان تغییرات توسط فرد اقتباس کننده کم، قسمت‌های بیشتری از عناصر متن اولیه

تغییر یا با تغییراتی از نوع تبدیل و تاویل استفاده می‌شود. مطلبی که در زیر عنوان آورده می‌شود؛ پیوند ضمنی با متن دارد و آن نیز مورد اقتباس قرار می‌گیرد (جلالی ۱۳۹۵، ۶۰).

ب) اقتباس با میزان مداخله کم (اقتباس بسته یا وفادار) بازنویسی؛ مشهورترین نوع اقتباس بسته است که در آن فکر و عقیده جدید مطرح نمی‌شود؛ درون‌مایه و موضوع اصلی حفظ می‌شود (پاپور ۱۳۸۰، ۷۶). معمولاً مقدار بیشتری از پیش اثر در متن جدید حفظ شده و چندان عمیق و بطنی طوریکه غیرقابل شناسایی باشد؛ نیست؛ زیرا ساختار عمده رویدادها حفظ می‌شود. افزایش، کاهش و یا ساده نویسی متن تاجاییست که از اصل اثر دور نشود. همچنین خصوصیات زبانی و لحن اصلی اثر حفظ می‌شود (جلالی ۱۳۹۵، ۶۹-۷۰).

تلخیص: خلاصه‌برداری و زبده‌گزینی است. گاه به اغراض شخصی و با هدف بهره‌گیری بیشتر از مضامین و مندرجات متون علمی صورت می‌گیرد. نویسنده گزیده‌ها را به زبان خویش می‌نویسد و حشو و زواید را با هدف آسان‌سازی و تسریع در خواندن جدا می‌سازد (شرف‌الدین ۱۳۸۳، ۲؛ جلالی ۱۳۹۵، ۷۴).

گزیده‌نویسی: قسمتی از پیش اثر گزینش شده، عیناً و بدون تغییر در عنوانی مرتبط گنجانده می‌شود. از میان ارکان اقتباس، تنها کاهش در این نوع صورت می‌گیرد. قلم نویسنده دخل و تصرفی در ماجرا ندارد (جلالی ۱۳۹۵، ۷۳).

متن اولیه گرفته شده و همین مقدار کم چنان عمقی و بطنی است که گاهی متن جدید تداعی متن مبدا را در ذهن خواننده نمی‌کند. در این حالت موضوع و چارچوب اثر اولیه در هم ریخته می‌شود (پاپور ۱۳۸۰، ۱۵۵). همچنین نویسنده جدید می‌تواند هر نوع اندیشه فلسفی یا اجتماعی و هر دیدگاهی را به موضوع مورد نظر خود وارد کند و آن را دارای هویت مستقل نماید (شکرانه ۱۳۹۲، ۵۹). تمامی ارکان اقتباس چون جابه‌جایی، افزایش، کاهش، تبدیل و حتی تاویل عناصر پیش اثر در بازآفرینی نیز بکار می‌رود (جلالی ۱۳۹۵، ۶۱-۶۳). آمیغ‌نویسی: همان بازآفرینی است که اقتباس‌کننده گامی فراتر بر می‌دارد و بجای استفاده از یک پیش اثر از دو یا چند منبع استفاده می‌کند. نویسنده اثر جدید خلق می‌کند که برخاسته از ذوق ادبی و تخیل اوست.

بازنگری: اقتباس‌کننده مجاز است بخش‌هایی را اصلاح کند سپس پیشنهادی برای جایگزینی آن دهد و در نهایت نیز بخش‌های منتخب خود را برجسته‌سازی می‌کند. بازنگری مانند تعمیر ساختمان قدیمی است که تنها بخش‌هایی از آن بازسازی و برجسته‌سازی می‌شود. کاهش، تبدیل و تاویل آن اقداماتی است که در بازنگری انجام می‌شود (جلالی ۱۳۹۵، ۵۸-۵۹).

وام‌گیری از عناوین: اقتباس‌کننده از اسامی و عناوین مشهور موجود در پیش اثر، برای موضوع اصلی، حاشیه‌ای و حتی تیتیر مطلب یا عنوان متن جدید استفاده می‌کند. از عناوین بدون

جدول ۳. عناصر مورد مداخله و تغییرات در انواع اقتباس (مأخذ: نگارندگان و با تلخیص از تعاریف گونه‌های اقتباس)

عنوان تغییر یا عنوان اقتباس	نوع تغییر در متن جدید	میزان مداخله	عناصر برداشت شده از متن اولیه
	-	بدون تغییر	لفظ- معنا- محتوا- موضوع- فرم نگارش- نوع زبان
بازآفرینی	افزایش- کاهش- تبدیل- تاویل- جابه‌جایی	زیاد (اقتباس آزاد)	لفظ- معنا- محتوا- موضوع- فرم نگارش- نوع زبان
آمیغ‌نویسی	افزایش- کاهش- تبدیل- تاویل- جابه‌جایی		لفظ- معنا- محتوا- موضوع- فرم نگارش- نوع زبان
بازنگری	کاهش- تبدیل- برجسته‌سازی		لفظ- معنا- موضوع- نوع زبان
وام‌گیری از عناوین	تبدیل- تاویل		لفظ و ذیل معنای لفظ- نوع زبان
بازنویسی	افزایش- کاهش- ساده نویسی	کم (اقتباس بسته یا وفادار)	لفظ- معنا- موضوع- فرم نگارش و نوع زبان
تلخیص	کاهش- ساده نویسی		لفظ- فرم نگارش- موضوع- نوع زبان
گزیده نویسی	کاهش		لفظ- موضوع- نوع زبان

۲. متن اولیه برای اقتباس

آن زاویه‌ای که مقاله حاضر به شهرسازی نگریسته، «اخلاق» است. زیرا معتقد است در دوره کنونی اخلاق یکی از خلاءهای نظریات شهرسازی در ایران است. اخلاق در شهرسازی سنتی ایران، امری مسلم بوده است. این حضور بگونه‌ای بوده که «حتی آن زمان که جنبه تربیت و توجه به اخلاق در بعضی حوزه‌های علمیه در ایران تضعیف شده بود؛ در فتوات و اصناف معماری و شهرسازی، اخلاق عملی معنوی پابرجا بود و سخت به آن توجه می‌شد» (نصر ۱۳۹۵). با این وجود در دوره کنونی به نظر می‌رسد اخلاق در شهرسازی و معماری امروزی سهم چندانی ندارد. این مقاله با توجه به فراموشی جایگاه اخلاق در شهرسازی کنونی ایران و نیز هجوم خیل عظیم نظریات مادی شهرسازی غربی، متون اخلاقی از نوع «اخلاق اسلامی» را برای اقتباس کردن و ایجاد متن جدید در شهرسازی برگزیده است.

۲-۲. متون اخلاق اسلامی و انواع آن

متون اخلاقی، ریشه‌ای کهن در تاریخ ایران دارد.^۷ بعد از پذیرش اسلام ادبیات اخلاقی ادامه یافت؛ البته برای انطباق با قران و حدیث، تغییرات اندکی یافت. از این دوره به بعد، متون اخلاق ایرانی، محتوایی اسلامی یافته و هر زمان که صحبت از متون اخلاق ایرانی می‌شود، اسلامی بودن نیز با آن تداعی می‌شود. برای بهره‌گیری یا اقتباس از این متون ابتدا باید آنها را شناخت. متون اخلاقی ایرانی - اسلامی براساس دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف به اخلاق، شامل چند نوع هستند که عبارتند از: متون «اخلاق فلسفی»، «متون اخلاق عرفانی»، «متون اخلاق نقلی»^۸ (احمدپور و دیگران ۱۳۸۵). همچنین دسته‌ای دیگر نیز که دارای ذوق و مشرب هنری‌تر بودند در ادبیات به متون «اخلاق ادبی مصلحت‌اندیشانه» شهرت یافته‌اند (ملکیان ۱۳۹۶). هر یک از این چهار نوع متن اخلاقی دارای ویژگی‌هایی هستند که اقتباس از آنها برای ایجاد متون شهرسازی باید مورد توجه قرار گیرند.

الف) متون اخلاق فلسفی

این کتاب‌ها با محوریت عقل نگارش شده‌اند. دستورات اخلاقی این کتب که دیدگاه فلسفی دارند، عنوان «حکمت عملی»^۹ نیز می‌پذیرند (مطهری ۱۳۶۷، ۱۴۹؛ فارابی ۱۳۷۶،

۱۱). گفته شده که نویسندگان مسلمان در کتاب‌های اخلاق فلسفی خود، هر چند که ایده اولیه‌اش را از فلاسفه یونانی گرفته‌اند؛^{۱۰} اما سعی کردند آنها را در خدمت حکمت اسلامی نیز درآورند (خامنه‌ای ۱۹، ۱۳۸۵-۲۰). مخاطب اخلاق فلسفی نه عوام بلکه گروه فلاسفه و تحصیلکردگان هستند. دلایل عقلی و استدلالی بعضاً دشوار در توصیف صفات اخلاقی در این متون بخش قابل توجهی از حجم متن را به خود اختصاص داده است. معمولاً در این متون فصلی جداگانه به بیان ردائل اخلاقی و اینکه چرا و چگونه باید از آنها دوری کرد، آمده است. از جمله این نوع متون عبارتند از «السیاسة المدینه» (فارابی ۱۳۷۶) و «آراء اهل مدینه فاضله» از فارابی (فارابی ۱۳۶۱) و «تذهیب الاخلاق و تطهیر الاعراق» از ابن مسکویه (مسکویه‌رازی بی‌تا)، «اخلاق ناصری» از خواجه نصیر الدین طوسی (طوسی ۱۳۵۶) و «السعادة الاسعاد» از یوسف عامری (عامری نیشابوری ۱۳۶۶).

ب) متون اخلاق عرفانی

عارفان راه‌های حسی و عقلی را برای شناخت سعادت ناکافی دانسته؛ از این‌رو بر پایه شهود قلب (ایمان انسان مومن) در پی سعادت حقیقی برای انسان برآمدند. حقایق عرفانی شهودی و دیدنی است (نه گفتنی و شنیدنی) که این امر آن را با خلاقیت (و هنر) مرتبط می‌سازد. این متون حاصل تجربیات و شهود عارفان مسلمانی است که تجارب عملی خود را به صورتی قابل فهم برای طبقه متوسط به‌عنوان عارفان عملی مکتوب می‌کنند. نقل شده است که آن دسته از متون اخلاقی که دیدگاه عرفانی دارند، عنوان «عرفان عملی»^{۱۱} نیز می‌پذیرند (به نقل از حسن‌زاده‌املی ۱۳۸۳، ۱۳-۱۲). دستورات اخلاقی این متون به صورت اجمالی و فارغ از استدلال‌های دشوار و طولانی و اغلب مبهم و دارای معنای چند لایه‌ای از عمقی تا سطحی هستند (احمدپور و دیگران ۱۳۸۵، ۵۳). برخی از متون اخلاق عرفانی کهن عبارتند از «کیمیای سعادت» از ابوحامد محمد غزالی (غزالی ۱۳۶۱)، «منازل السائرین» (انصاری ۱۳۶۱) و «صدمیدان» (انصاری ۱۳۸۳) از خواجه عبدالله انصاری و «اوصاف الاشراف» از خواجه نصیرالدین طوسی (طوسی، بی‌تا).

ج) متون اخلاق نقلی



زمانمند بودن در دوره کنونی قابل استفاده نیست. آیین‌ها و رسوم انجام امور مختلف که در برخی از این متون آمده، نباید با اخلاقیات اشتباه گرفته شوند. به عنوان مثال «قابوسنامه» عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر که از آیین گرمابه رفتن تا پادشاهی را در متن خود آورده است (وشمگیر زیار ۱۳۶۸). از جمله دیگر این متون عبارتند از «شاهنامه» فردوسی که داستانی حماسی بر اساس جنگ نیکی و بدی است (فردوسی ۱۳۶۹). «بوستان» و «گلستان» سعدی که مجموعه‌های انسان‌ساز و جامعه‌ساز هستند (سعدی ۱۳۷۶). «منظومه هفت اورنگ» (مثنوی چهارم و هفتم) که در آن جامی در مثنوی چهارم به وعظ و تربیت همراه با حکایات و تمثیلات پرداخته و در مثنوی هفتم نیز از حکمت‌ها، موعظه‌ها و نیز شهرآرمانی خویش سخن گفته است (جامی ۱۳۶۱). همچنین در «پنج‌گنج» نظامی (گنج آخر از کتاب اسکندرنامه) از ویژگی‌های شهر آرمانی مدنظر نویسنده آمده است (نظامی گنجوی ۱۳۸۸).

۳. ویژگی‌های متن اولیه برای اقتباس

اولین قدم در اقتباس برای ایجاد متن شهرسازی، انتخاب متن اولیه (یا پیش‌اثر) است. در انتخاب متن اولیه موضوعاتی از جمله قابل تبدیل بودن موضوع متن اولیه به متن شهرسازی، «ارزش متن، محتوای بی‌زمان و بی‌مکان متن» (نقی‌زاده ۱۳۹۲، ۳۳) و «درون فرهنگی» بودن باید مورد توجه باشد (نامور مطلق ۱۳۹۰، ۳۱۷). از این‌رو لازم است هریک از این معیارها را برای متن اولیه با موضوع اخلاق ایرانی-اسلامی بررسی کرد.

۵ قابل تبدیل بودن موضوع متن اولیه به متن جدید: یکی از اصول مهم اقتباس، قابل تبدیل بودن موضوع دو متن است. هر اندازه که شباهت یا رابطه‌ی نزدیک و منطقی بین موضوع متن جدید و متن اولیه وجود داشته باشد؛ ارتباط بهتری بین آن دو برقرار شده و متن جدید نیز از درجه اعتبار بیشتری برخوردار خواهد شد. در بیان رابطه بین شهر و اخلاق باید گفت که عالمان و متفکران مسلمان از جمله فارابی (۳۳۹-۲۶۰ ق)، ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق) و نظامی (۶۰۷-۵۳۵ ق) به ترتیب در کتابهای «سیاست‌المدینه» (فارابی ۱۳۷۶، ۱۵۰)، «مدینه عادلّه» ابن‌سینا (اصیل ۱۳۸۱،

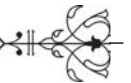
متون اخلاق نقلی، خدامحور و بر پایه وحی است. نویسندگان این متون به جای طرح بحث‌های فلسفی یا عرفانی، اخلاق برگرفته از آیات قرآن و روایات معصومین (ع) را بیان کرده‌اند. کار نویسندگان این متون استخراج و سپس تفکیک و دسته‌بندی موضوعات اخلاقی ذکر شده در آیات قرآن و روایات معصومین (ع) است. معتقدان به این رویکرد عقیده دارند که عقل به تنهایی برای بیان تمام مصادیق عدل و ظلم کافی نیست و قطعاً باید از قرآن و سنت استفاده کرد. اغلب این متون به زبان عربی نگارش شده‌اند (هر چند نویسنده ایرانی داشتند). دستورات مختلف اخلاقی این متون اغلب کوتاه، با حوزه وسیع و بدون رابطه با یکدیگر هستند. کتاب‌های «اصول کافی» (کلینی‌رازی ۱۳۸۸) و «بحارالانوار» (مجلسی ۱۳۸۷) جزء این دسته از متون قرار می‌گیرند.

د) متون اخلاق ادبی مصلحت‌اندیشانه

این متون وجه هنری داشته و فرم نگارش ممکن است از نوع نظم، نثر، حکایات، غزلیات و به همراه آرایه‌ها و صناعات ادبی باشد. هر چند فهم این متون اندکی نیاز به تأمل و گاهی تفسیر دارد، اما اکثر قشرهای جامعه به دلیل ادبی و هنری بودن این متون، دوستدار و مخاطب آن هستند. دستورات اخلاقی ممکن است به صورت تلویحی در یک داستان حماسی و یا منظومه عاشقانه بیاید. موضوعات اخلاقی این متون حوزه گسترده‌ای داشته برخی از آنها بر نوع موضوعات اخلاقی رایج در زمان خویش تأکید داشتند. برخی از آنها دارای توصیفات فضایی ضمن بیان ویژگی‌های اخلاقی هستند که به خوبی عناصر و فضاهای شهری و معماری آن دوران را تصویر می‌کند و برخی نیز مضمون رسیدن به آرمانشهر را در خود نهفته دارند. مانند «تذکره الاولیاء» عطار که شامل اخلاقیات لازم برای رسیدن به جامعه آرمانی است و با مشرب عارفانه به صورت داستانی از سیمرغ (سی‌مرغ) بیان می‌شود (عطار ۱۳۸۲).

گاهی نویسنده و شاعر این مجموعه‌های اخلاقی ادبی به بیان نصایح، پند و اندرزها، آداب انجام کار، اخلاقیات فردی و اجتماعی، اصول سیاست، تدبیر مملکت و شالوده‌های تحکیم حفظ خانه و خانواده که اغلب رواج بیشتری در زمانه او داشته، پرداخته است. به همین دلیل برخی از آن مضامین به دلیل





به طور کلی در مورد بی‌زمان و بی‌مکان بودن متون اخلاقی باید گفت که «اخلاق از دیدگاه اسلامی، یعنی خلق و خوی و فضیلت روحی انسان که شامل دوستی، انسان‌دوستی و امثالهم است و این امر نسبیّت نمی‌پذیرد» (مطهری ۱۳۶۷، ۱۳۸). متون اخلاقی فلسفی، عرفانی، نقلی و مصلحت‌اندیشانه ادبی^{۱۳} که محتوای آنها دستورات اخلاقی است؛ فارغ از زمان و مکان خاصی بوده و معیار سوم برای اقتباس کردن و تولید متن جدید در شهرسازی را دارند.

۵ «**درون فرهنگی**» بودن: برای اقتباس از یک متن باید متوجه فرهنگ آن بوده تا با متن جدید مشابه باشد. «فرهنگ یکسان متن اولیه و متن جدید منجر به اقتباس درون فرهنگی می‌شود» (نامورمطلق ۱۳۹۰، ۳۱۷-۳۱۸). درون فرهنگی بودن برای ایجاد متون شهرسازی امری ضروری است. متون اخلاق فلسفی هرچند ریشه‌ای یونانی دارند؛ اما توسط فلاسفه مسلمان با فرهنگ ایرانی-اسلامی منطبق شدند (خامنه‌ای ۱۳۸۵، ۱۹-۲۰). متون اخلاق عرفانی اصالت و ریشه‌ی ایرانی دارند. متون اخلاق نقلی به جامعه عرب باز می‌گردد؛ هرچند بعد از ظهور اسلام توسط متفکران ایرانی با اخلاقیات ایرانی منطبق شدند و در نهایت متون اخلاق ادبی مصلحت‌اندیشانه نیز ریشه‌ای کاملاً بومی دارند. بنابراین هر چهار نوع متون اخلاق اسلامی برخوردار از فرهنگ ایرانی-اسلامی و اقتباس از آن منجر به شهرسازی بومی (ایرانی-اسلامی) می‌شود.

اقتباس از متن اخلاقی برای ایجاد متن شهرسازی

۱. عناصر مورد اقتباس از متن اولیه و تغییرات آنها در

اقتباس از متون اخلاقی
لفظاً: منظور از لفظ در متون اخلاقی آن واژگان، اصطلاحات و یا عناوین و بخش صریح و خلاصه شده نقل قول‌هایی هستند که اشاره به یک صفت یا ویژگی اخلاقی می‌کند. نویسنده شهرساز باید به دنبال این الفاظ در انواع متون اخلاقی باشد؛ آنها را استخراج و هریک را در متن شهرسازی بکار گیرد. الفاظ یا همان صفات و ویژگی‌های اخلاقی می‌تواند عیناً و یا با تغییر در ظاهر، اما حفظ معنا به‌عنوان ویژگی و یا نظریه کیفی شهر و شهرسازی بکار رود. الفاظ اولین و مهم‌ترین بخشی هستند که نویسنده شهرساز باید آنها را در متون

۱۶۰ به نقل از ابن سینا) و «شهرنیکان نظامی» (نظامی ۱۳۸۸)، گذران یک دوره حکمت عملی یا همان اخلاقیات فردی را لازمه رسیدن به شهر آرمانی تحقق‌پذیر دانستند. همچنین بر اساس اعتقاد فلاسفه اشراقی و عارفان، عالم صغری (منظور طبیعت است که شهر و جامعه نیز جزء آن محسوب می‌شوند) بایستی براساس نقشه عالم کبری (منظور انسان است) تدوین شده باشد. این به آن معنا است که اخلاقیاتی که برای انسان به عنوان عالم کبیر مطرح است برای جامعه، شهر (و طبیعت) نیز برقرار است (به نقل از تنهایی ۱۳۷۹، ۵۸۶). این ارتباطات نزدیک حاکی از آن است که ویژگی‌های اخلاقی عنوان شده برای فرد، قابل اتصاف به شهر و شهرسازی هستند؛ به عبارتی دیگر متون اخلاق اسلامی دارای دستوراتی هستند که به بکارگیری این دستورات در شهر نیز عملیاتی بوده و می‌تواند انسان و به تعاقب آن شهر را به درجات کمال برساند.

۵ **ارزش متن اولیه:** ارجاع به متن اولیه برای ایجاد متن جدید زمانی منطقی است که متن اولیه ارزشمند بوده؛ نویسنده‌ای عالم داشته و خصوصاً برای جوامعی چون ایران منطبق بر جهانبینی توحیدی اسلام باشد. «متون اخلاقی فلسفی، عقل محور و به تبعیت از فلاسفه یونانی بوده که البته توسط فلاسفه مسلمان بر مفاهیم اسلامی منطبق شده است» (خامنه‌ای ۱۳۸۵، ۱۹-۲۰). متون اخلاقی عرفانی بر پایه شهود قلب (ایمان انسان مومن)، متون اخلاق نقلی بر پایه وحی (قران) و نیز سنت (سخنان ائمه و معصومین) و متون مصلحت‌اندیشانه ادبی نیز متکی بر اخلاقیات نقلی با نویسندگان عالم یا عارف مسلمان بوده‌اند. پس می‌توان گفت که اکثر کتاب‌های کهن اخلاق ایرانی-اسلامی، معیار ارزشمند بودن را برای اقتباس دارند.

۵ **محتوای بی‌زمان و بی‌مکان:** هر چه محتوای متن اولیه کلی‌تر باشد؛ اقتباس از آن آسان‌تر و هرچه رابطه آن با زمان یا مکانی خاص بیشتر باشد؛ بهره‌گیری از آن دشوارتر است. در این زمینه آمده که در وام‌گیری از منابع اصیل در شهرسازی نباید به دنبال جزئیات و مصادیق، بلکه باید از اصول و معیارهای کلی که در همه زمان‌ها و مکان‌ها مصداق خاص خود را داشته باشند، بهره گرفت (نقی‌زاده ۱۳۹۲، ۳۳).





متون اخلاق ادبی مصلحت‌اندیشانه نیز به دلیل آرایه‌ها و صنایع ادبی زیاد نیاز به ساده‌نویسی دارند. بنابراین نوع زبان متون اخلاقی در اقتباس نیاز به تغییرات توسط نویسنده شهرساز دارد.

۲. انواع اقتباس از متون اخلاقی چهارگانه

الف) اقتباس از متون اخلاق فلسفی

بازآفرینی: همانطور که ذکر شد، متون اخلاق فلسفی دارای معانی ثابت و دلایل منطقی به دنبال آن هستند؛ پس چندان قابلیت همراهی با تخیل را ندارند و اقتباس از آنها باید با حفظ کلیت اثر و محتوای متن اخلاقی باشد. بنابراین اقتباس از نوع «بازآفرینی» که ویژگی بارز آن به هم زدن محتوای متن اولیه است در مورد این متون کاربرد چندانی ندارد؛ چراکه اصل موضوع و ساختار عقلانی متن اخلاق فلسفی را در هم می‌ریزد.

آمیغ‌نویسی: بهره‌گیری از دو متن فلسفی برای یک متن منسجم شهرسازی به دلیل برهم خوردن استدلال‌ات فلسفی این متون چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. بنابراین توصیه می‌شود در یک متن منسجم شهرسازی تنها از یک متن اخلاقی بهره گرفت؛ مگر اینکه نویسنده قصد مقایسه دو دیدگاه فلسفی را داشته باشد که در اینصورت می‌تواند از هر دو متن همزمان استفاده کند. به‌عنوان مثال مقایسه نظریات فارابی با خواجه نصیرالدین طوسی در مورد «ادراک فضای شهر».

بازنگری: از آنجا که متون فلسفی دارای توجیه، استدلال و متن منسجم و بهم پیوسته هستند؛ نمی‌توان به اصلاح برخی بخش‌های آن پرداخت، زیرا اصلاح و بازنگری بخشی از مطلب، سبب به هم ریختن کل مطلب می‌شود. به‌عنوان مثال در مورد مفهوم «عصبیت» (به‌عنوان یک مفهوم فلسفی) در متن شهرسازی، نمی‌توان تعریف عصبیت را به دلخواه تغییر داد و سپس آن را در متن شهرسازی بکار گرفت. از این‌رو، اقتباس به شیوه بازنگری در این متون نامناسب به نظر می‌رسد.

وام‌گیری از عناوین: واژگان و عناوین متون اخلاق فلسفی به همراه مضامین آنها در متون شهرسازی قابل استفاده است. به این طریق که عنوان هر ویژگی اخلاقی

اخلاقی جستجو کند. حیات و تواضع از متون عرفانی، عدالت و شجاعت از متون اخلاقی فلسفی و «هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد»^{۱۳} از متون ادبی مصلحت‌اندیشانه از جمله الفاظ هستند.

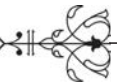
معنا: منظور از معنا هرآنچه‌ای است که لفظ را تعریف، عقل را توجیه، دلیل را توضیح، راهکار را بیان و با مثال یا داستان فهم را آسان می‌کند. در متون اخلاقی، تعاریف غالباً در دنباله یک لفظ می‌آیند. نویسنده شهرساز می‌تواند پس از برداشت لفظ، معنای آن را نیز از همان متن برداشت کند و اگر منطبق بر شهرسازی و شهر بود آن را حفظ نماید، وگرنه با تغییراتی چون افزایش، تبدیل، تاویل، برجسته‌سازی و ساده‌نویسی آن را در شهر و شهرسازی استفاده نماید.

موضوع: متون تاکید شده این مقاله همگی دارای موضوع اخلاق هستند، البته آن اخلاق فردی که در نهایت منجر به اخلاق اجتماعی می‌شود. چون زمینه این اخلاقیات فرد و جامعه هستند؛ برای نگارش متون شهرسازی باید آنها را بر زمینه شهر و شهرسازی نشانند. پس اصل موضوع که اخلاق است در اقتباس حفظ می‌شود و تنها زمینه از فرد و جامعه تبدیل به شهر و شهرسازی می‌شود.

فرم نگارش: متون اخلاقی بسته به انواع معرفی شده شامل فرم‌های نگارشی نثر دشوار تحلیلی-فلسفی، نثر عارفانه و سالکانه، نثر صریح دستوری و توصیه‌ای در متون نقلی و در متون اخلاق ادبی مصلحت‌اندیشانه نیز از نوع نظم و نثرهای ذوقی و هنری هستند. هر یک از این انواع فرم نگارش می‌توانند برای نوشتارهای مختلف شهرسازی استفاده شوند. مثلاً نوع اول برای نوشتارهای مبانی نظری و پایه‌های فکری شهرسازی، نوع دوم برای نوشتارهای مرتبط با ویژگی‌ها و نظریات کیفی شهرسازی، نوع سوم، یعنی نثرهای دستوری و توصیه‌ای برای متون شهرسازی که در پی اثبات و تأیید ویژگی‌های کیفی شهرسازی هستند و آخرین نوع نیز پس از تبدیل به نگارش منثور، برای متن‌های هنری و ذوقی مرتبط با وجه هنری شهرسازی، توصیه می‌شوند.

نوع زبان: زبان متون فلسفی و نیز متون عرفانی اغلب فارسی دری و همه فهم نیستند. همچنین اغلب متون اخلاق نقلی نیز زبان عربی دارند که باید به فارسی امروزی تبدیل شوند.





تلخیص: از آنجا که متون اخلاق فلسفی اغلب زبان فهم دشواری برای عام دارند؛ بعد از گزیده‌نویسی حتماً باید متناسب با درک مخاطب شهرساز ساده و به اصطلاح «تلخیص» شوند.

به طور کلی بر نویسنده متن شهرسازی است تا ابتدا با ذکر عنوان متن اولیه اخلاق فلسفی و یا نویسنده آن، متن جدید خود را مختص به دیدگاه خاص آن فیلسوف یا متن اخلاقی کند؛ تا از سرقت دور بماند. مثلاً بررسی مفهوم عدالت در شهرسازی بر پایه نظریات خواجه نصیرالدین طوسی. همچنین از میان عناصر اقتباسی، لفظ، فرم نگارش و نوع زبان قابل تغییرات زیاد، اما معنا و موضوع فلسفی، غیرقابل تغییر بوده و یا تغییرات اندکی می‌پذیرند. بهتر است اقتباس از متون اخلاق فلسفی برای نگارش متن‌های پایه‌ای و نظری شهرسازی بکار روند. در اقتباس از متون اخلاقی، مهم‌تر از اوصاف ویژگی اخلاقی به شهر، دلایل یا ضرورت دستور اخلاقی در شهر یا شهرسازی و نیز یافتن راه‌حل ایجاد فضیلت و حذف ردیلت اخلاقی از شهرسازی است.

ب) اقتباس از متون اخلاق عرفانی

بازآفرینی: اقتباس به شیوه بازآفرینی از متون اخلاق عرفانی به دلایل زیر مناسب به نظر می‌رسد.

• اخلاق عرفانی بر پایه شهود است و شهود با «خلاقیت» ارتباط نزدیکی دارد؛ از طرفی بازآفرینی نیز نیازمند میزان خلاقیت بالای اقتباس‌کننده است.

• بازآفرینی عمقی‌ترین و معنایی‌ترین روش بهره‌گیری از متن است و این با ویژگی متون اخلاقی عرفانی که لایه‌های معنایی عمیق (در کنار لایه‌های معنایی سطحی) دارد؛ منطبق است.

• دستورات عرفانی به دلیل ابهام در معنا می‌تواند با شیوه تویل در بازآفرینی به خوبی بر موضوعات شهرسازی منطبق شود و با اضافه کردن مطالبی پیرامون شهرسازی، آن دستور پرورش داده شود.

• دستورات اخلاقی در متن عرفانی با وجود مضمون اصلی، دارای درجات معنایی متفاوتی هستند که هر مخاطب بسته به قدر ظن و فهم خویش از آن بهره می‌گیرد. این ویژگی با بازآفرینی که مشخصه اصلی آن تغییرات زیاد (افزایش،

به همراه مفهوم آن به‌عنوان پایه‌های نظری شهرسازی بکار می‌رود. مانند اقتباس از واژه «عصیبت» و مفهوم فلسفی آن که ابتدا در بخش مبانی نظری متن شهرسازی و سپس به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مورد نیاز فضای زیستی مطلوب^۴ در متون شهرسازی قابل استفاده است.

بازنویسی: مداخلات زیاد از متن اخلاق فلسفی برای متن شهرسازی چندان مناسب نیست؛ اما بر خلاف آن اقتباس از نوع بسته به شیوه «بازنویسی» برای بهره‌گیری از این متون به دلایل زیر مناسب به نظر می‌رسد.

• در شیوه بازنویسی مقدار بیشتری از پیش اثر حفظ می‌شود؛ همچنین در بازنویسی فکر و عقیده جدید مطرح نمی‌شود. این موضوع با متون اخلاق فلسفی که به میزان محدود قابل تغییر است، منطبق است.

• دستورات اخلاقی فلسفی نه محدود به یک واژه، بلکه مفصل بوده و برای بهره‌گیری نیاز است تا به قدری که فرد را قانع به پیروی کند؛ همراه با توضیحاتی آورده شود. این همان کاری است که در بازنویسی نیز انجام می‌شود. بازنویس تا حدی مجاز به افزایش یا کاهش متن اولیه است که از اصل اثر دور نشود.

• در بازنویسی افزایش، کاهش و آسان‌سازی ممکن است. در متن اخلاق فلسفی نیز به دلیل اینکه استدلال عقلی دارای یک معنای ثابت بوده و تاویل‌ناپذیر است بر این امر منطبق می‌باشد. حذف بیش از حد مطالب منجر به عدم فهم متن‌های فلسفی می‌شود.

• پژوهشگر شهرساز برای بهره‌گیری از متن اخلاق فلسفی، تا حدی که خواننده را متقاعد کند که باید فلان ویژگی اخلاقی در شهر وجود داشته باشد می‌بایست از متن اخلاقی فلسفی استفاده کرده و آن را به زبان قابل فهم مخاطب شهرسازی، بازنویسی کند.

گزیده‌نویسی: توجهات، استدلال‌های عقلی و متن پیوسته و منسجم، ویژگی اصلی متون اخلاق فلسفی است. از این رو تنها استخراج دستور اخلاقی از این متون به تنهایی کفایت نکرده و لازم است تا استدلال، توجیه و راهکارهای آن نیز اقتباس شود؛ که این کار خود نیاز به «گزیده‌نویسی» دارد.



حالت از «گزیده‌نویسی» استفاده کرده است. **تلخیص:** متون عرفانی به دلیل ابهام در معانی و چندمعنایی بودن حتماً باید به زبان ساده و قابل فهم مخاطب شهرسازی تلخیص شوند تا معنای مدنظر نویسنده شهرساز قابل درک شود.

به طور کلی متون عرفانی به دلیل محتوا و مضمون عرفانی به خوبی بر وجه هنری شهرسازی می‌نشینند. الفاظ عرفانی و معانی آنها، فرم نگارش و نیز نوع زبان، همگی با حفظ و یا تغییر قابل اقتباس برای متن شهرسازی هستند. اگر متن شهرسازی مقتبس از فرم نگارش متن اخلاق عرفانی باشد؛ بایستی متناسب با آن و از نوع نثر لطیف و با مشرب عرفانی و هنری باشد. متون اخلاقی عرفانی بیشتر برای نگارش آن متن‌هایی از شهرسازی مناسب‌تراند که قصد اطلاق و اتصاف ویژگی‌های اخلاقی به شهر و یا نظریه‌پردازی‌های شهرسازانه را دارند. متون شهرسازی با اقتباس آزاد به دلیل بهره‌گیری عمقی و باطنی و تغییرات زبانی ممکن است به سختی ارتباط خود را با متن اولیه نشان دهند. بنابراین اشاره مستقیم به متن اولیه و نویسنده آن توسط نویسنده شهرساز الزامی است.

ج) اقتباس از متون اخلاق نقلی

متون اخلاق نقلی مجاز به تغییر در محتوا، معنا و بعضاً لفظ نیز نیستند؛ زیرا اصل معنای آنها تغییر می‌کند. به همین دلیل شیوه‌های بازآفرینی، بازنگری و بازنویسی برای آنها نامناسب است.

آمیغ‌نویسی: برای یک موضوع مشخص اخلاقی می‌توان از چند متن اخلاق نقلی بهره گرفت. هر اندازه تعداد منابع اخلاقی پیرامون مضمون اقتباس شده، بیشتر باشد؛ اعتبار آن کلام بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر نویسنده شهرساز با آمیغ‌نویسی شواهد قوی‌تری برای تایید مطلب خود می‌آورد. اقتباس از متون اخلاقی نقلی با استفاده چندین متن اولیه به طور همزمان کاملاً مناسب است.

وامگیری از عناوین: میزان عناوین بکار رفته در متون اخلاق نقلی کم است. همچنین عناوین و نیز اصلاحات آمده در این متون اغلب به زبان عربی و وامگیری از آنها برای بهره‌گیری در متون شهرسازی ایرانی پیشنهاد نمی‌شود.

کاهش، تبدیل، تاویل و جابه‌جایی) است؛ متناسب می‌باشد. درجات معنایی متفاوت و متعدد اخلاقیات این متون فرصت بیشتری در اختیار نویسنده شهرساز برای نشان دادن آنها بر زمینه شهرسازی فراهم می‌کند.

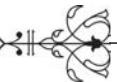
آمیغ‌نویسی: بهره‌گیری از چند منبع عرفانی - به شرط آنکه دلیل منطقی بر انتخاب آنها باشد - مجاز است؛ زیرا اقتباس‌کننده در بازآفرینی مجاز به تغییرات زیاد است. این امر سبب خلاقیت متن جدید و آزادی بیشتر اقتباس‌کننده نیز خواهد شد. به‌عنوان نمونه متن عرفانی صدمیدان و نیز منازل‌السائرین به دلیل داشتن نویسنده و محتوای نسبتاً مشترک، هر دو با هم در شیوه آمیغ‌نویسی، می‌توانند منابع خوبی برای ایجاد متن شهرسازی باشند.

بازنگری: از آنجا که متن عرفانی نتیجه تجربه شهودی عارفی مشهور است؛ بنابراین بازنگری یا اصلاح کردن آن توسط نویسنده اقتباس‌کننده شهرساز چندان قابل قبول نیست. از این‌رو به نظر می‌رسد این شیوه برای متون اخلاقی عرفانی نامناسب است.

وامگیری از عناوین: عناوین دستورات اخلاقی و اصطلاحات بکار رفته در متون اخلاق عرفانی به دلیل تعدد درجات معنایی و تاویل‌پذیری برای استفاده در متن‌های شهرسازی برای نامگذاری نظریه‌ها و یا ویژگی‌های شهرسازی مناسب است. به‌عنوان نمونه عنوان «حیات» و یا «کرامت» از دستورات اخلاق عرفانی، می‌تواند به‌عنوان ویژگی‌های حیات داشتن شهر (به معنای زنده بودن) و کرامت در شهرسازی (به معنای بزرگ داشتن انسان که مهمترین عنصر شهر است) بکار گرفته شوند.

بازنویسی: از آنجا که متون عرفانی اغلب مختصر، اجمالی و دارای معانی مبهم هستند؛ با تغییرات اندک در بازنویسی و حفظ ساختار عمده متن اولیه چندان قابل فهم برای ایجاد متن شهرسازی نیستند.

گزیده‌نویسی: متون عرفانی به دلیل اجمال و اختصار، چندان نیاز به گزینش و جداسازی ندارند. نه تمام بخش‌های این متون، بلکه تنها قسمتهایی از آن برای بهره‌گیری در شهرسازی مناسب است. پس لازم است اقتباس‌کننده بر حسب تشخیص خویش بخشی از آنها را برگزیند، در این



اگر دارای ارتباط منطقی با هم باشند و یا به گزینش خاصی توسط اقتباس‌کننده شهرساز باشد؛ مجاز است. به عنوان مثال اگر نویسنده شهرساز با گزینش خاص خود در پی ویژگی‌های شهر مطلوب از منظر دو شاعر سعدی و حافظ باشد؛ می‌تواند همزمان از مجموعه‌های دیوان حافظ و بوستان سعدی بهره‌گیرد.

بازنگری: برخی از متون اخلاقی ادبی به دلیل دارا بودن توصیفات فضایی در مورد شهرها و بناهای کهن ایرانی، منبع خوبی برای نگارش متون تاریخی شهرسازی و معماری بشمار می‌آیند. در این مورد لازم است تا محقق شهرساز، با حفظ ساختار و کلیت اثر و نیز صحت مطالب، الفاظ یا همان واژگان مرتبط با فضاها و ویژگی‌های پیرامون هریک را از متن اولیه برگزیند، آنها را در کنار هم بیاورد؛ سپس پرورش داده و برخی قسمت‌ها را برجسته نماید. مثلاً متن شهرسازی (یا معماری) «ویژگی‌های باغ‌های خراسانی دوره غزنویان» از نوع اقتباس بازنگری شده از مجموعه کهن ادبی «تاریخ بیهقی» نوشته ابولفضل بیهقی است (قیومی بیدهندی ۱۳۹۰). برای سایر متون اخلاقی ادبی، بازنگری توصیه نمی‌شود.

وام‌گیری از عناوین: عناوین آمده در کتاب اخلاق ادبی به دلایل مشرب هنری، بومی و فارسی بودن برای استفاده در متن‌های شهرسازی، خصوصاً نام‌گذاری ویژگی‌های کیفی شهرسازی مناسب هستند.

بازنویسی: در متون اخلاقی ادبی، آن نوع متونی که مرتبط با جوامع و شهرهای آرمانی هستند؛ قابلیت اقتباس به شیوه بازنویسی را دارند. این متون با حفظ فکر و عقیده و ساختار عمده رویدادها در رسیدن به آرمانشهر، می‌توانند منجر به متن‌های شهرهای آرمانی شوند. به عنوان مثال متن اخلاق ادبی تذکره اولیای عطار (از نوع متون ادبی با مضمون رسیدن به آرمانشهر) نمونه خوبی برای اقتباس به شیوه بازنویسی در حوزه شهرسازی است. داستان سی مرغ مذکور در این متن با مضمون رسیدن به سعادت می‌تواند با حفظ ساختارهای کلی، طریقی برای رسیدن به شهر آرمانی (البته از نوع قابل تحقق) باشد.

تلخیص: متون ادبی به دلیل دارا بودن فنون و آرایه‌های ادبی چه در قالب نظم و چه نثر لازم است تا به زبان نویسنده

گزیده‌نویسی: به دلیل تنوع موضوعات اخلاق در متون نقلی و نیز پراکندگی آنها، نویسنده اقتباس‌کننده تنها نقل‌های مربوط به ایده مورد نظر در شهرسازی را برگزیده و استخراج می‌کند. اقتباس با شیوه گزیده‌نویسی در متون اخلاق نقلی کاربرد زیادی دارد.

تلخیص: متون اخلاقی نقلی، اغلب به زبان عربی هستند، نویسنده شهرساز بعد از گزینش بخش‌های مدنظر و نشانیدن بر زمینه شهرسازی باید آنها را به زبان فارسی برای مخاطبان ترجمه و ساده‌نویسی کند. بنابراین تلخیص در متون نقلی لازم است.

اخلاقیات آمده در متون اخلاق نقلی با حفظ محتوا، معنا، موضوع، و تغییرات در نوع زبان و فرم نگارش توسط نویسنده شهرساز اقتباس می‌شود. اقتباس‌کننده می‌تواند با ورز و پرورش دادن موضوع برای تکمیل و اثبات ادعای خود در زمینه شهر و شهرسازی به بیان آن نقلیات بپردازد. به طور کلی می‌توان گفت اقتباس از متون اخلاق نقلی برای آن است تا اقتباس‌کننده کلام خود را با اتصال به منبع وحی و سخن ائمه تأیید کرده و نیز اعتبار بخشد. به عنوان مثال نویسنده متن شهرسازی برای اثبات ویژگی «مشارکت‌پذیری» به عنوان یکی از ویژگی‌های فضاهای شهری می‌تواند از نقلیات اخلاقی مرتبط اقتباس کرده و آن را اعتبار بخشد. علاوه بر این برخی از نقلیات اخلاقی می‌توانند ایده اصلی برای ایجاد یک متن شهرسازی نیز باشند، مانند حدیث عقل و جهل امام صادق (ع) که به عنوان یک حدیث اخلاقی توانسته است ایده و پایه نگارش کتاب شهرعقلمدار (نقی‌زاده ۱۳۹۳) واقع شود.

د) اقتباس از متون اخلاق ادبی (مصلحت‌اندیشانه)
بازآفرینی: متون ادبی اخلاقی به دلیل ارتباط با هنر می‌توانند از طریق بازآفرینی و با تغییر در محتوا، لفظ و فرم نگارش برای ایجاد متن جدید شهرسازی بکار روند. باید توجه داشت که میزان تغییرات به قدری زیاد نباشد که مضمون متن اولیه از بین برود. به همین دلیل «بازآفرینی» برای این متون مشروط به رعایت میزان تغییرات، می‌تواند صورت گیرد.

آمیغ‌نویسی: بکارگیری همزمان چند متن اخلاق ادبی،





نیز بشمار آورد و با استفاده از آنها، نظریه‌ها و یا ویژگی‌های کیفی برای شهر و شهرسازی تدوین کرد. در این مقاله از یک سو گونه‌های شناخته شده اقتباس شامل «بازآفرینی»، «وامگیری از عناوین»، «آمیغ‌نویسی»، «بازنویسی»، «گزیده‌نویسی» و «تلخیص» معرفی و تعریف شد. در هریک از این گونه‌ها نویسنده شهرسازی می‌تواند از عناصر لفظی، معنا، موضوع، فرم نگارش و زبان در متن اولیه اقتباس کرده و با سه حالت بدون تغییر، تغییرات زیاد و تغییرات کم آنها را در متن جدید شهرسازی بکار گیرد. این تغییرات شامل افزایش، کاهش، تبدیل، تاویل، جابه‌جایی، برجسته‌سازی و ساده‌نویسی است. این موضوع به نویسنده شهرسازی کمک می‌کند تا بدانند به دنبال چه ویژگی‌هایی از متون اولیه اخلاقی و چه نوع تغییراتی در آنها برای ایجاد متن شهرسازی باشد (جدول ۴).

از سویی دیگر متون اخلاقی نیز در این مقاله معرفی و انواع آن، که شامل متن «اخلاق فلسفی»، متن «اخلاق عرفانی»، متن «اخلاق نقلی» و متن «اخلاق ادبی - مصلحت‌اندیشانه» بود با ذکر ویژگی‌های هر یک بیان شد. همچنین با شناختی که از هر یک از انواع اقتباسات نیز بدست آمد؛ توانست به چگونگی اقتباس از انواع متون اخلاقی برای ایجاد متون شهرسازی دست یابد. با وجود اینکه اکثر گونه‌های اقتباس قابل استفاده برای بهره‌گیری از هر چهار نوع متن اخلاقی بودند؛ اما برخی از آنها مناسب‌تر، برخی نامناسب و برخی نیز قابل استفاده یا مجاز معرفی شدند (جدول ۵).

شهرساز ساده و یا به اصطلاح تلخیص شوند. **گزیده‌نویسی:** قطعاً تمام بخش‌های متون ادبی قابل اقتباس نیستند. اخلاقیات مذکور در متون ادبی منظوم، معمولاً پراکنده و تکرار شده در ابیات هستند. در متون نثر نیز ممکن است داستانی طولانی، تنها قصد اشاره به یک ویژگی اخلاقی را داشته باشد. بنابراین متون اخلاقی ادبی قطعاً نیاز به گزیده‌نویسی دارند. متون ادبی از نوع آرمانشهر چون برخوردار از موضوعات پیوسته و منسجم است، نیاز به گزینش مطالب بیشتری دارد.

به طور کلی اقتباس از متون اخلاق ادبی مصلحت‌اندیشانه برای نگارش متن‌هایی از شهرسازی با سه حالت مناسب‌تر است. اول اینکه، به دنبال شواهدی از متن اولیه در مورد بارزهای اخلاقی مدنظر خویش در شهر، هستند. مانند مقاله شهرسازی «پی‌جویی بارزهای شهر از منظر حافظ» (نقی‌زاده ۱۳۸۸). دوم آنهایی که به دنبال بیان ویژگی‌ها و عناصر فضاهای شهرهای تاریخی هستند؛ مانند معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی (سلطانزاده ۱۳۷۷) و سوم آن دسته از متونی که در پی چگونگی رسیدن به شهرآرمانی هستند. در این مورد از کتاب‌هایی چون تذکره اولیای عطار و مثنوی هفتم از منظومه هفت اورنگ جامی می‌توان اقتباس کرد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله از میان آرایه‌های بهره‌گیری از متن اولیه در متنی دیگر، «اقتباس» نه به عنوان یک آرایه یا صنعت جزئی، بلکه شیوه‌ای کلی که در برگزیده اکثر آرایه‌های معرفی شده بود؛ به‌منظور بهره‌گیری از متون ارزشمند کهن برای تدوین متن شهرسازی بکار رفت. چون قصد مقاله ارائه شیوه‌ای برای این امر بود، نه بر یک متن مشخص، بلکه بر متون با موضوع اخلاق اسلامی برای اقتباس تاکید کرد. در متون اخلاقی هرچند به طور مستقیم از شهرسازی و معماری سخنی نیامده؛ اما گویای چگونه زیستن، نحوه ارتباطات و اخلاقیات در میان افراد جامعه است. هدف «متون اخلاقی» و اخلاقیات مطروحه در آن همچون «شهر» رساندن انسان‌ها به سعادت فردی و جمعی است. پس می‌توان فضایل اخلاقی در این متون را به‌عنوان ویژگی‌های مورد نیاز شهر سعادت‌مند



جدول ۴. عناصر برداشتی و نوع تغییرات آنها در انواع متون اخلاقی (مأخذ: نگارندگان)

نوع متن عناصر برداشتی	متن اخلاقی فلسفی	متن اخلاقی عرفانی	متن اخلاقی نقلی	متن اخلاقی مصلحت اندیشانه		
				متون تاریخی	متون با مضمون جوامع آرمانی	سایر
لفظ	دستورات اخلاقی قابل اقتباس برای ویژگی ها و نظریه های شهرسازی	دستورات اخلاقی اجمالی قابل اقتباس برای ویژگیها و نظریه های شهرسازی	نقل های صریح اخلاقی قابل اقتباس بعنوان ویژگی های شهرسازی یا اثبات آنها	اقتباس از عناوین و ویژگی های فضاها و عناصر شهری و بکارگیری در متون شهرسازی بدون تغییر آنها	اقتباس از ویژگی های لازم برای رسیدن به جامعه آرمانی	دستورات اخلاقی در میان آرایه های ادبی قابل اقتباس برای ویژگیها و نظریه های شهرسازی
معنا	تعاریف و معانی هر دستور اخلاقی، استدل و تحلیل، لزوم یا نفی هر دستور پس از اقتباس با حفظ معنا قابل بکارگیری در متن شهرسازی برای چرایی و چگونگی دستورات اخلاقی شهرسازی	معانی هر دستور اخلاقی پس از برداشت، با تبدیل و تاویل قابل بهره گیری بعنوان ویژگی های شهرسازی	معانی و تفاسیر متون اخلاقی نقلی با حفظ معنا، قابل اقتباس بعنوان ویژگی های اخلاقی شهرسازی	معانی که به ذکر ویژگی یا عنصر فضایی ختم می شود، بدون تغییر قابل استفاده برای نگارش متن شهرسازی تاریخی	اقتباس از معانی ذکر شده در هر مرحله با اقتباس بدون تغییر و یا تاویل بعنوان مراحل مورد نیاز رسیدن به شهرسازی آرمانی اخلاقی (البته از نوع قابل تحقق)	معانی هر دستور اخلاقی با حفظ معنا برای انصاف به ویژگی های شهر و شهرسازی
موضوع	به طور کلی اخلاق با شهرسازی و شهر ارتباط دارد، در اقتباس از موضوع تنها باید دستورات اخلاقی با زمینه فرد و جامعه بر زمینه شهر و شهرسازی بنشینند.					
فرم نگارش	شیوه نثر فلسفی و با اندکی ساده نویسی قابل اقتباس برای نگارش مبانی نظری و فکری شهرسازی	فرم نگارش نثر لطیف و عارفانه قابل اقتباس برای متون مرتبط با ویژگی های کیفی شهر و شهرسازی	نقل های اخلاقی کوتاه قابل اقتباس برای نگارش متن ها و جملات شعاری و کوتاه شهرسازی	اقتباس از میان گونه های نظم یا نثر در قالب مثنوی، غزل، قصیده، سفرنامه، حکایات تنها در دو حالت فرم حکایت نویسی و نثر ادبی هنری برای نگارش متون ذوقی و هنری شهرسازی.		
نوع زبان	نثر دشوار فلسفی در اقتباس نیازمند ساده نویسی برای نگارش متون فلسفی و نظری شهرسازی	زبان فارسی کهن این متون برای اقتباس نیازمند تبدیل به فارسی امروزی و نیز قابل فهم برای مخاطب شهرسازی	زبان عربی این متون برای اقتباس نیازمند تبدیل به زبان فارسی و قابل فهم برای مخاطب شهرسازی	زبان ادبی و تاریخی این متون در اقتباس نیازمند ساده نویسی به فارسی روان امروزی و نیز قابل فهم مخاطب شهرسازی		



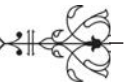
جدول ۵. اقتباس پیشنهادی از انواع متون اخلاقی و متن شهرسازی متناسب با هریک (ماخذ: نگارندگان)

نوع متن شهرسازی	انواع اقتباس							نوع متن اخلاقی
	گزیده نویسی	تلخیص	بازنویسی	وامگیری ی از عناوین	بازنگری	آمیغ نویسی	بازآفرینی	
• متن‌های بیان‌کننده مبانی نظری و فلسفی شهرسازی	+	++	++	+	-	+	-	اخلاقی فلسفی
• متن‌های بیان‌کننده ویژگی‌های کیفی و نظریه‌های هنجاری شهر و شهرسازی • متونی که مسیر و چگونگی رسیدن به شهر سعادت‌مند یا کامل را بیان می‌کنند.	+	+	-	++	-	+	++	اخلاقی عرفانی
• متون شهرسازی که در پی گرفتن تایید و اعتبار مطالب مدنظر نویسنده با اتصال به منبع وحی و سخن‌المه هستند. • متونی که قصد اطلاق ویژگی اخلاقی از منبع نقلی را به شهر و شهرسازی دارند.	++	++	-	-	-	++	-	اخلاقی نقلی
• متونی که به دنبال شواهدی از متن ادبی در مورد بارزهای اخلاقی مدنظر نویسنده در شهر و شهرسازی هستند. • متون بیان‌کننده ویژگی‌ها، عناصر و فضاهای شهرهای تاریخی • متونی که مسیر و چگونگی رسیدن به شهر آرمانی را بیان می‌کنند.	+	+	++ (متون جوامع آرمانی)	++	++_متون تاریخی، - سایر متون	+	+	اخلاقی ادبی- مصلحت‌اندیشانه

پی‌نوشت

۱. پایه این نظریه در غرب و جزء مهم‌ترین نظریات ادبی و فلسفی قرن بیستم است. «براساس این نظریه هیچ متن یا اثر هنری نیست که کاملاً مستقل تولید گردد و هر متن بر پایهٔ متن‌های پیشین خود شکل می‌گیرد» (نامور مطلق ۱۳۹۰).
۲. برای خواننده گرامی ممکن است این سوال پیش آید که چرا متونی چون نهج‌البلاغه و حدیث عقل و جهل (از احادیث معروف امام صادق(ع)) جزء متون ایرانی برشمرده شده است؟ پاسخ آن است که گفتارها و مفاهیم این متون چنان با جامعه، فرهنگ ایرانی و نیز متون فارسی در آمیخته‌اند که نمی‌توان آنها را جدا نمود.
۳. همچنین این صنایع بار معنایی مشابه، مکرر یا نزدیک به هم دارند و هر یک از آنها از کتاب‌های بدیع مختلفی گردآوری شده، برخی مشهورتر و برخی نیز کم‌شهرت‌تراند و تنها در یک منبع نام آنها آورده شده است.
۴. صنایع بدیع در ادبیات پیش از اسلام نیز وجود داشته؛ اما کتاب مستقلی که این صنایع را آورده باشد، بر جای نمانده است. بعد از اسلام قرآن محرک پرداختن و تالیف این دست کتاب (مربوط به بلاغت) شد. از این‌رو اکثر این کتب عربی و مسلماً صنایع معرفی شده در آنها نیز عربی بوده است. این کتب پایه تالیف کتب بلاغت فارسی نیز شدند؛ کتاب‌های بلاغت فارسی از قرن پنجم هجری شروع به تالیف شدند؛ اما اسامی





صنایع به زبان عربی در اغلب آنها حفظ شدند (کاردرگر ۱۳۸۸، ۲۴).

۵. adaptation

۶. ممکن است در آینده گونه‌های دیگری نیز اضافه شود؛ اما آنچه تاکنون به طور رسمی در منابع ذکر شده همین چهار گونه است (جلالی ۱۳۹۵، ۵۷).

۷. «ادبیات اخلاقی در ایران از دوران زرتشت و قبل از ساسانی به صورت «اندرزنامه» متجلی شده (آزاده‌فر ۱۳۹۴، ۲۸)؛ و با عناوینی چون «ادبیات آموزشی» یا «ادب»، بخش اعظمی از ادبیات جامعه ایرانی را به خود اختصاص می‌داد» (فوشه‌کور ۱۳۷۷، ۱۰).

۸. نوع دیگری نیز از متون اخلاق اسلامی، معروف به متون تلفیقی نیز هست که همانطور که از لفظ آن برمی‌آید؛ حاصل ترکیب سه نوع متن فلسفی، عرفانی و نقلی هستند (احمدپور و دیگران ۱۳۸۵)؛ و به علت واضح بودن در اینجا به‌عنوان دسته‌بندی اصلی نیامده است.

۹. باید توجه داشت که نوع دیگر حکمت، حکمت نظری است که این دسته متون هر چند فلسفه هستند؛ اما جزء اخلاقیات محسوب نمی‌شوند. ۱۰. فیلسوفان یونانی همچون جالینوس، افلاطون، فیثاغورث-هرمس و ارسطو. مثلاً نظریه نفوس سه‌گانه، متأثر از افلاطون است. نظریه حد وسط بودن فضیلت متأثر از ارسطو است. همچنین رازی را در کتاب طب روحانی گفته‌اند سخت متأثر از جالینوس بوده است (خامنه‌ای ۱۳۸۵، ۱۹-۲۰).

۱۱. باید توجه داشت که نوع دیگر عرفان، عرفان نظری است که این دسته متون هر چند عرفانی هستند؛ اما جزء اخلاقیات محسوب نمی‌شوند.

۱۲. متون اخلاقی فلسفی یا همان حکمت عملی شامل سه زیرفصل اخلاق فردی، اخلاق خانوادگی (تدبیر منزل) و اخلاق جمعی (سیاست مدن) است. که منظور همان بخش اخلاق فردی است که زمانمند و مکانمند نیست؛ اما دو بخش دیگر ممکن است دارای دستورات اخلاقی باشد که مربوط به زمان نگارش متن است. همچنین بخشی از متون مصلحت‌اندیشانه ادبی نیز مرتبط با رسوم انجام برخی کارهاست؛ مانند گرمابه رفتن، که زمانمند است و نباید با اخلاق اشتباه گرفته شود.

۱۳. (حافظ ۱۳۸۳) مصرع پیشنهادی اقتباس شده از غزلیات حافظ برای اشاره به ویژگی‌های فعالیت‌های مناسب در فضای شهری ایرانی.

۱۴. برای مطالعه بیشتر ر.ک به (نقی‌زاده و محتشم امیری ۱۳۹۴).

منابع

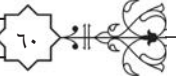
- آزاده‌فر، محمدرضا، و دیگران. ۱۳۹۴. هنر و اخلاق، مجموعه مقالات. تهران: سوره مهر.
- احمدپور، مهدی، و دیگران. ۱۳۸۵. کتابشناخت اخلاق اسلامی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- اصیل، حجت‌الله. ۱۳۸۱. آرمانشهر در اندیشه ایرانی، ویرایش دوم. تهران: نی.
- انصاری، خواجه عبدالله. ۱۳۸۳. صدمیدان. مقدمه و تصحیح محمود نجفی. قم: بکاء.
- انصاری هروی، خواجه عبدالله. ۱۳۶۱. منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری، متن عربی با مقایسه به متن علل مقامات و صدمیدان، ترجمه‌ی دری منازل السائرین و علل مقامات و شرح کتاب از روی آثار پیر هرات. با تصحیح روان فرهادی. تهران: مولی.
- انوشه، حسن. ۱۳۷۵. دانشنامه ادب فارسی، جلد ۱. تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی دانشنامه.
- پایور، جعفر. ۱۳۸۰. شیخ در بوته، روش‌های بازنویسی و بازآفرینی و ترجمه و پرداخت در آثار ادبی. تهران: اشراقیه.
- تنهایی، حسین ابولحسن. ۱۳۷۹. جامعه‌شناسی نظری اسلام، مطالعه گزیده‌ای از نظریات جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی متفکرین، فلاسفه و صوفیان مسلمان. مشهد: سخن‌گستر.
- جامی، عبدالرحمن بن احمد. ۱۳۶۱. مثنوی هفت‌اورنگ، به تصحیح مرتضی مدرس‌گیلانی. تهران: کتابفروشی سعدی.
- جلالی، مریم. ۱۳۹۵. شاخص‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان، نگاهی نو به بازنویسی و بازآفرینی. تهران: انجمن فرهنگی هنری زنان ناشر.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. ۱۳۸۳. دیوان حافظ، لوح فشرده مجهز به جستجوی غزلیات. تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی تبیان.
- حسن‌زاده آملی، حسن. ۱۳۸۳. شرح اشارات و تنبیهات ابن‌سینا، نمط نهم، مقامات العارفین. قم: مطبوعات دینی.
- خامنه‌ای، سیدمحمد. ۱۳۸۵. ملاصدرا، هرمنوتیک و فهم کلام الهی. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- خطایی، سوسن. ۱۳۹۰. نقش فرهنگ و هنر ایران بر اقتباس ادبی در فیلم‌های پویانمایی ایران. جلوه هنر (۶): ۵-۱۴.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷. لغت‌نامه، جلد ۲. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ساسانی، فرهاد. ۱۳۸۳. بینامتنیت: پیشینه و پسینه نقد بینامتنی. بیابان ۲ (۵-۶): ۱۷۲-۱۸۵.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. ۱۳۷۶. بوستان، از روی نسخه تصحیح شده محمد علی فروغی. تهران: امیرکبیر.





۱۸. سعدی، مصلح بن عبدالله. ۱۳۷۶. گلستان، از روی نسخه تصحیح شده محمد علی فروغی. تهران: امیر کبیر.
۱۹. سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۷۷. معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۰. شرف‌الدین، سیدحسین. ۱۳۸۳. درباره تلخیص. عیار پژوهش در علوم انسانی (۱): ۲-۱۰.
۲۱. شکرانه، اسدالله. ۱۳۹۲. درآمدی بر بازنویسی و بازآفرینی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۲۲. شهباء، محمد، و غلامرضا شهبازی. ۱۳۹۱. تاریخ، اقتباس و تصاحب در سینما. هنرهای زیبا- هنرهای نمایشی و موسیقی (۱۷): ۲: ۱۵-۲۴.
۲۳. صالحی، نرگس، و محمدرضا حاجی آقابابایی. ۱۳۹۷. اقتباس ادبی در سینمای ایران. جستارنامه ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد ۳ (۲): ۱۰۳-۱۱۷.
۲۴. صباغی، علی. ۱۳۹۱. بررسی تطبیقی محورهای سه‌گانه بینامتنیت ژنت و بخش‌هایی از نظریه بلاغت اسلامی. پژوهشنامه ادبی (۹): ۳۸: ۵۹-۷۱.
۲۵. طوسی، نصیرالدین. بی‌تا. اوصاف الاشراف (به انضمام هفت بند حلاج و وصایای عبدالخالق غجدوانی). تصحیح و توضیح نجیب مایل هروی. مشهد: انتشارات امام.
۲۶. طوسی، نصیرالدین. ۱۳۵۶. اخلاق ناصری، تصحیح و مقدمه‌ی مجتبی مینوی و علیرضا حدیری. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
۲۷. عامری نیشابوری، محمدین یوسف. ۱۳۶۶. السعاده الاسعاد فی السیره الانسانیه. به کتابت و مقدمه‌ی مجتبی مینوی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. عطار، محمدبن ابراهیم. ۱۳۸۲. تذکره اولیای عطار. با گردآوری فرهاد یارانین. اصفهان: غزل.
۲۹. غزالی، امام محمد. ۱۳۶۱. کیمیای سعادت، دوره دوجلدی. به کوشش حسین خدیوچم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۰. فارابی، ابونصر محمد. ۱۳۶۱. اندیشه‌های اهل مدینه فاضله. حاشیه‌نویسی و ترجمه‌ی سید جعفر سجادی. تهران: انتشارات طهوری.
۳۱. فارابی، ابونصر. ۱۳۷۶. السیاسه المدینه. شرح و ترجمه‌ی حسن ملکشاهی. تهران: سروش.
۳۲. فردوسی، ابولقاسم. ۱۳۶۹. شاهنامه، دوره هفت‌جلدی. با اهتمام ژول مول، و مقدمه‌ی محمد امین ریاحی. تهران: سخن.
۳۳. فلامکی، محمدمنصور. ۱۳۸۷. ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری. تهران: فضا.
۳۴. فلامکی، محمدمنصور. ۱۳۹۱. اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی. تهران: فضا.
۳۵. فوشه کور، شارل-هانری دو. ۱۳۷۷. اخلاقیات: مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده ۳ تا ۷. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۶. قیومی بیدهندی، مهرداد. ۱۳۹۰. گفتارهایی در مبادی و تاریخ معماری و هنر. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۷. کاردگر، یحیی. ۱۳۸۸. فن بدیع در زبان فارسی، بررسی تاریخی-تحلیلی صنایع بدیعی از آغاز تا امروز. تهران: فراسخن.
۳۸. کلینی رازی، محمدبن یعقوب. ۱۳۸۸. اصول کافی، لوح فشرده شامل فهرست لغوی و جستجوی پیشرفته. مشهد: شرکت نرم افزار صافات.
۳۹. محبتی، مهدی. ۱۳۸۰. بدیع نو، هنر ساخت و آرایش سخن. تهران: سخن.
۴۰. مجلسی، محمد باقر. ۱۳۸۷. بحارالانوار، لوح فشرده. مشهد: شرکت نرم افزار صافات.
۴۱. مسکویه رازی، ابوعلی احمد بن یعقوب. بی‌تا. تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق. مقدمه‌ی حسن تمیم. قم: بیدار.
۴۲. مطهری، مرتضی. ۱۳۶۷. آشنایی با علوم اسلامی، جلد اول: منطق-فلسفه. تهران: صدرا.
۴۳. ملکیان، مصطفی. ۱۳۹۶. مروری بر مکاتب اخلاقی، روزنامه اعتماد، ۱۳۹۶/۰۱/۲۶، <https://cgie.org.ir/fa/news>، ۱۵۶۰۸۵/۱۵۶۰۸۵ (دسترسی ۱۳۹۶/۱۱/۲۰)
۴۴. نامور مطلق، بهمن. ۱۳۹۰. درآمدی بر بینامتنیت. تهران: سخن.
۴۵. نصر، سیدحسین. ۱۳۹۵. مقدمه بر کتاب نظریه فضای حیات طبیعه. با نگارش محمد نقی زاده. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۴۶. نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. ۱۳۸۸. کلیات خمسه نظامی گنجوی، مخزن الاسرار، خسرو شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر، اسکندرنامه، شرفنامه و اقبالنامه. با تصحیح حسن وحید دستگردی، و به اهتمام پرویز بابایی. تهران: نگاه.
۴۷. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۸. پی‌جویی بارزهای شهر از منظر حافظ. هویت شهر (۵): ۱۲۳-۱۳۶.
۴۸. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۲. شهر اسلامی و روش بهره‌گیری از متون مقدس. کتاب ماه هنر (۱۷۷): ۲۴-۳۴.
۴۹. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۳. اصول و برنامه‌ریزی شهر عقل مدار. اصفهان: شهرداری اصفهان.
۵۰. نقی‌زاده، محمد، و مریم استادی. ۱۳۹۳. مقایسه تطبیقی مفهوم ادراک و فرآیند آن در فلسفه و روان‌شناسی محیط و کاربرد آن در طراحی شهری. پژوهش‌های معماری اسلامی ۲ (۳): ۳-۱۴.





۵۱. نقی زاده، محمد، و سعیده محتشم امیری. ۱۳۹۴. *عصیبت؛ مولفه ای اصلی در ایجاد حس تعلق و مطلوبیت فضای زیستی از دیدگاه ابن خلدون. مطالعات شهر ایرانی اسلامی (۱۹): ۶۵-۷۵.*
۵۲. وشمگیر زیار، عنصر المعالی کیکاووس. ۱۳۶۸. *قابوس نامه، از روی نسخه مورخ ۷۵۰ با مقدمه، حواشی و تجدید نظر. با تصحیح سعید نفیسی. تهران: چاپخانه افست مروی.*
۵۳. هاشمی، احمد. ۱۳۶۸. *جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع. قم: مرکز نشر.*
۵۴. همایی، جلال الدین. ۱۳۸۹. *فنون بلاغات و صناعات ادبی. تهران: اهورا.*

References

1. Ahmadpoor, Mahdi, et al. 2006. *Bibliography of Islamic Ethics*. Qom: Institute of Science and Islamic Culture.
2. Ameri Neishaboori, Mohammad-Ibn Yusuf. 1987. *The Highest Happiness in the Human Life*. Edited by Mojtaba Minoy. Tehran: Tehran University Press.
3. Anooshe, Hassan. 1996. *Encyclopedia of Persian Literature*. Tehran: Cultural Institute and Encyclopedia.
4. Ansari Heravi, Khwaja Abdullah. 1982. *Khwaja Abdullah Ansari's Manazel Al-Sairin*. Edited by Ravan Farhadi. Tehran: Mola.
5. Ansari Heravi, Khwaja Abdollah. 2004. *Sad Meidan*. Introduction and Edited by Mahmood Najafi. Qom: Beka.
6. Asil, Hojatollah. 2002. *Utopia in Iraninan Thought*. Tehran: Nashr-e nei.
7. Attar, Mohammad-Ibn Ebrahim. 2003. *Tazkare Oliay of Attar*. Collected by Farhad Yaranian. Isfahan: Qazal.
8. Azadefar, Mohammad Reza, and Others. 2015. *Art and Ethics*. Tehran: Soore-e Mehr.
9. Dekhoda, Ali Akbar. 1998. *Dictionary*. Tehran: Tehran University Press.
10. Falamaki. Mohammad Mansoor. 2008. *Roots and Theoretical Tendencies of Architecture*. Tehran: Faza.
11. Falamaki. Mohammad Mansoor. 2012. *Principles and Reading of Iranian Architecture*. Tehran: Faza.
12. Farabi, Aboonasr Mohammad. 1982. *Thoughts from the Utopia Inhabitants*. Translated by Seyed Jafar Sajadi. Tehran: Tahoori.
13. Farabi, Aboonasr. 1982. *City Policies*. Described and Translated by Malek Shahi. Tehran: Soroosh.
14. Ferdowsi, Abolghasem. 1990. *Shahnameh*. Introduction by Mohammad Amin Riahi. Tehran: Sokhan.
15. Foucheour, Charles Henry. 1998. *Ethics, Ethics Concepts in Persian Literature from the 3rd to the 7th Centuries*. Tehran: Iran University Press (IUP).
16. Ghayomi BideHendi, Mehrdad. 2011. *Speeches in the Basics and History Architecture and Art*. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
17. Ghazali, Emam Mohammad. 1982. *Alchemy of Happiness*. Collected by Hossein Khadiv jam. Tehran: Elmi-va-Farhangi.
18. Hafez, Shamseddin Mohammad. 2004. *Poems of Hafez*. Tehran: Tebyan.
19. Hashemi, Ahmad. 1990. *Javaher Al-Balagha in Meanings, Statement and Badi*. Qom: Publishing Center.
20. HassanZadeh Amoli, Hassan. 2004. *Description of Hints and Punishments of Ibn-e Sina*. Qom: The Religious Publications.
21. Homaei, Jalaluddin. 2010. *Rhetoric Techniques and Literary Figures*. Tehran: Ahoora.
22. Jalali, Maryam. 2016. *Indicators of Adaptation in Children and Adolescents Literature, A New Look to Rewriting and Re-creating*. Tehran: Iran Cultural & Artistic Association of Women Publishers.
23. Jami, Abdolrahman-Ibn Ahmad. 1982. *Haft Awrang*. Edited by Morteza Modarres Gilani. Tehran: Sadi.
24. Kardegar, Yahya. 2009. *Badi Technique in Persian Language*. Tehran: Farasokhan.
25. Khamenei, Seyyed Mohammad. 2006. *Molla Sadra, Hermeneutics and Understanding of the Divine Revelation*. Tehran: Bonyad-e Hekmat-e Islamic-e Sadra.
26. Khotaei, Soosan. 2011. The Role of Iranian Culture and Art in Literary Adaptation in Iranian Animated Films. *Art Manifestation (6): 5-14*.
27. Kulayni Razi, Mohammad-Ibn Yaghub. 2009. *Kafi's Principles*. Mashhad: Safat Software Company.
28. Majlesi, Mohammad Bagher. 2008. *Behar Al-Anwar, A Compact Disc*. Mashhad: Safat Software Company.
29. Malekian. Mostafa. 2017. *An Overview of Ethics Philosophy*. Etemad Newspaper, 2017-4-15, <https://cgie.org.ir/fa/news/156085>. Availability Date: 2018-3-11.
30. Miskawayh Razi, Abu Ali Ahmad-Ibn Yaghub. *No Date. Refining Ethics and Cleaning Ethnic*. Introduction by Hassan Tamim. Qom: Bidar.
31. Mohebbati, Mahdi. 2001. *The New Badi, The Art of Making and Arranging Speech*. Tehran: Sokhan.
32. Motahhari, Morteza. 1988. *Introduction to Islamic Sciences, Logic-Philosophy*. Tehran: Sadra.
33. Naghizadeh, Mohammad. 2009. In Search of the Manifestations of the City from Hafez's Perspective. *Hoviat-e-Shahr (5): 123-136*.
34. Naghizadeh, Mohammad. 2013. The Islamic City and Method of Using the Sacred Texts. *Ketab-e Mah-e Honar (177):*

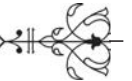




24-34.

35. Naghizadeh, Mohammad. 2014. *Principles and Planning of a Rational City*. Isfahan: Isfahan Municipality.
36. Naghizadeh, Mohammad, and Maryam Ostadi. 2014. A Comparative Analysis of the Notion of Perception and Its Process in Environmental Psychology and Philosophy with an Emphasis on Its Application to Urban Design. *Researches in Islamic Architecture* (2) 3: 3-14.
37. Naghizadeh, Mohammad, and Saeideh Mohtasham Amiri. 2015. Asabiyyat, A Key Component in Creating a Sense of Belonging and Desirability of Living Space from Ibn Khaldun's Point of View. *Studies on Iranian Islamic City* (19): 65-76
38. Namvar Motlagh, Bahman. 2011. *An Introduction to Intertextuality*. Tehran: Sokhan.
39. Nasr, Seyyed Hassan. 2016. *Introduction to the Book Theory of the Space of Good Life*. Written by Mohammad Naghizadeh. Tehran: The Publication of Islamic Azad University, Science and Research Branch.
40. Nezami Ganjavi, Elyas-Ibn Yusuf. 2009. *Generalities of Khamse*. Edited by Hassan Vahid Dastgerdi. Tehran: Negah.
41. Payvar, Jafar. 2001. *Sheikh Dar Buteh, Methods of Rewriting, Re-creating and Translation in Literary Works*. Tehran: Eshraghie.
42. Sabbaghi, Ali. 2018. Comparative Study of Three-Dimensional Intertextuality of Gennete and Parts of Islamic Rhetoric Theory. *Literary* (9) 38: 59-71.
43. Sadi Shirazi, Mosleh-Ibn Abdollah. 1997. *Boostan*. Tehran: Amirkabir Publications
44. Sadi Shirazi, Mosleh-Ibn Abdollah. 1997. *Golestan*. Tehran: Amirkabir Publications.
45. Salehi, Narges, and Mohammad Reza Haji aqa Babaei. 2018. Literary Adaptation in Iranian Cinema. *Comparative Literature in Islamic Azad University, Yazd Branch* (2) 3: 103-117.
46. Sasaki, Farhad. 2004. Intertextuality, Background of Intertextual Criticism. *Bitab* (4-5): 172-185
47. Shahba, Mohammad, and Gholam Shahbazi. 2012. History, Adaptation and Appropriation in cinema. *Honar-ha-ye-Ziba* 17 (2): 15-24.
48. Sharafoddin, Seyyed Hossein. 2004. About Summarizing. *Research Criteria in the Humanities* (1): 2-10.
49. Shokrane, Asadollah. 2013. *Introduction to Rewriting and Re-creating*. Tehran: Intellectual Development Center of Children and Adolescents.
50. Soltanzadeh, Hossein. 1998. *Architecture and Urbanism of Iran Based on the Ferdowsi's Shahnameh*. Tehran: The Office of Cultural Studies.
51. Tanhaei, Hossein Abo Al-Hassan. 2000. *Teoretical Sociology of Islam, Selected Study of Sociological and Anthropological Theories*. Mashhad: Sokhan Gostar.
52. Toosi, Nasireddin. 1977. *Nasirean Ethics*. Edited by Najib Mayel Heravi. Mashhad: Emam.
53. Toosi, Nasireddin. No Date. *Osaf-e Al-Ashraf*. Edited by Mojtaba Minoy, and Alireza Hadiry. Tehran: Tehran University publications.
54. Voshmgire Ziar, Onsor Olmali Keykavoos. 1989. *Qaboosnameh*. Edited by Saeid Nafisi. Tehran: Printing Office of Offset Marvi.





and figures of speech in Balaghat and Badi science. But only one of them, «Eghtebas» or «adaptation», has been selected as the chosen method in this article, as it is the most complete concept and embraces all the fifteen remained figures. Furthermore, it has become quite operational in other fields as literature and art. The first step in adaptation is the selection of the original text. In this regard, it is necessary to consider points such as value of the original text, similarity between the culture of the original text and the new text, the timeless and placeless content of the original text and finally, the convertibility of the original text to the second text. Texts with the content of «Islamic ethics» have been selected as original and old-valuable texts, for all of which mentioned considerations were made. In the theoretical part, two subjects are defined: The ethical texts and different types of Eghtebas. The ethics have an old and strong precedence in Iran's history. The goal of ethical texts is individual, and consequently, social and urban prosperity. Four different Islamic ethical texts are introduced. These four types are based on four-different definition about ethics. They including: 1-Mysticism ethics, 2-philosophical ethics, 3-narrative ethics and 4- literary ethics. «Mysticism ethics texts» are based on «Intuition», «Philosophy ethical text» on «wisdom», «Narrative ethical text» on revelation and «literary ethical texts» on «expediency». Subsequently, different kinds of Eghtebas are explained. In major division, Eghtebas has three different types: «dramatic changes», «moderate changes» and «no changes». In minor division of Eghtebas, «dramatic changes» include «Re-created», «Revision», «Using title» and «Amiq». Also, «moderate changes» include «Re-writing», «Selective writing» and «Abridgment».

Three questions mentioned before are answered in the results. Firstly, four kinds of Eghtebas are explained in association with four ethical texts using the inference and logical reasoning method. The new texts of urbanism would be adopted to the ethical texts. It seems that almost all types of Eghtebas can be used for the four types of ethical texts. However, their relation has been shown with «suitable», «unsuitable» and «allowable» positions. For every type of the ethical texts, there is a more appropriate Eghtebas (compared to other kinds of Eghtebas) including: «Re-created» for usage from «Mysticism ethics», «Revision» for «Literary ethics», «Re-writing» for «Philosophy ethics» and «Selective writing» for «Narrative ethics». Secondly, the writer of urbanism text can extract elements such as word, meaning, subject, writing form and type of language from the original text and reuse them with three positions of «no changes», «dramatic changes» («Re-created», «Revision», «Using title» and «Amiq») and «moderate changes» («Re-writing», «Selective writing» and «Abridgment») in urbanism text. Finally, the new urbanism texts can have different topics such as theoretical and philosophical foundations, normative theories, qualitative features, utopia and urbanism history.

Keywords: urbanism texts, Eghtebas, Islamic-ethical texts.





Compilation of Urbanism Texts Based on the Valuable Iranian Texts (With Emphasis on Islamic Ethics)

Maryam Najafi *

Ph.D student in department of urbanism and architecture, Islamic Azad University, Najafabad, Isfahan, Iran.

Mohammad Naghizadeh **

Assistant Professor in department of art and architecture, scienc and research Branch, Islamic Azad University, Tehran.

Shirin Toghyani ***

Assistant Professor in department of architecture and urbanism, Islamic Azad University, Najafabad, Isfahan.

Mahmood Mohammadi ****

Associated Professor in department of art, Isfahan. Iran

Received:28/08/2019

Accepted: 21/05/2020

Abstract

It is evident that each community should have a specific urbanism science. Science localization is an obvious matter. This matter has motivated Iranian researchers, in the field of urbanism to naturalize urbanism science imported to Iran. One method for producing or indigenizing urbanism texts in Iran, especially in the recent years, has been utilization of valuable Iranian texts. There are valuable-original texts that could be reused for compilation of new texts in urbanism. So far, urbanism studies have been inspired by valuable Iranian texts, such as «the Shahnameh of Ferdowsi», «Hafez s Divan», «Attar s Mosibatname», «Nasir Khusraw»s Safar-nama», «Haft Peykar of Nezami Ganjavi» and «the Muqaddimah of Ibn Khaldun», but none of these studies have had a systematic method. However, this article suggests a specific method of using old texts to create new urbanism texts. In other words, the main aim of this article is to present an efficient method to use the valuable Iranian texts to compile new urbanism texts. In this article, «Islamic ethical texts» have been selected for better understanding of the suggested method and as a sample. Although Ethical texts do not directly mention urban and urbanism, they explain the best way of living and building relationships in society. This article aims to answer the following three questions: 1. What is the proper method of using the valuable Iranian texts to write new urbanism texts? 2. How this method would be applied in different ethical texts? Finally, 3. which kind of urbanism texts would be written by this method? Therefore, this paper can be regarded as a methodology article.

The usage of a primary text to create a new text is a theory called «Intertextuality». However, Intertextuality has not been used here. Because it is not coincident with Iranian culture. A native and localized technique is needed for this study. Hence, following research in library resources for Iranian localized techniques, a suitable technique has been found, called the science of rhetoric (Balaghat) and the science of rhetorical embellishment (Badi) has. There were about sixteen literary techniques

* This article has been derived from Ph.D thesis titled: «The Compilation and Redefined of Theoretical Foundations of Iranian-Islamic Urbanism by Using the Ethical Texts of Muslim Scholars (With Emphasis on the Texts of Khwaja Abdullah Ansari) written by Maryam Najafi and Dr. M.Naghizadeh as first guide. In addition, Dr Sh.Toghyani and Dr M.Mohammadi were second guide and adviser, respectively.